

ما و جافک (۲)

## محفلیسم، آماتوریسیم و انقلاب دمکراتیک

در بخش اول، به پیش گرفتن شیوه ی مغالطه آمیز دوستان جافک اشاره شد. در اینجا ما فقط به ذکر این نکته اکتفا می کنیم که این اقدام ایشان دست و پا زدن یک جریانِ میرنده در مقابل نسلِ چدیدِی از تشکلهای کمونیستی است. یعنی میرندگیِ محفلیسم در مقابل کار و فعالیت بر مبنای برنامه ای مدون! اگر به کل مطالب مطروحه در چند سال تاریخچه ی این محفل رجوع کنید، حتی یک سند تئوریک و یا پیش زمینه ای برای مواضع اتخاذ شده در این «نامه» نمی یابید. با نگاهی به «نامه اعتراضی» شاهد می شویم که چگونه فردی از یک محفل سیاسی، همان کار محفلیستی را تکرار کرده است. موضوعی از قبیل «دمکراسی نوین» و «جمهوری دمکراتیک نوین» و خلاصه تمایل او به «اندیشه ماتو» برای اولین بار به عنوان موضوع کل این محفل مطرح می شود و آنهم با چنین شیوه ی مبتذل و عاری از هرگونه ارزش تئوریکی! آیا واقعاً می توان این سند را بعنوان بیانیه اعلام مواضع یک گروه جدی کمونیست پذیرفت؟ به هر حال ما برای روشن کردن مواضع خود نمی توانیم به پریشان فکری و پریشان گویی ایشان پاسخ دهیم. بنابراین بهترین شیوه برای پیشبرد مبارزه ی ایدئولوژیک با چنین جریانی را در ارائه الگوی مثبتی از فعالیت کمونیستی در شرایط ویژه ی کنونی می دانیم.

### چرا «بسوی انقلاب»؟

عناصر و جریان های تشکیل دهنده ی «بسوی انقلاب» قریب به سه سال پیش به ضرورت خروج از کار محفلی و شکاندن پوسته ی اتحادهای تصادفی به نفع اتحاد کمونیستی و قدم برداشتن به سمت کار حرفه ای-تخصصی بعنوان اولین قدم در راه ایجاد حزب طبقه کارگر رسیده بودند. یک جریان موفق شد که با نزدیکی به محافل پراکنده و با مواضع انقلابی، آنها را زیر چتر «تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر» همسو سازد. البته در آنجا نیز با انواع بهانه ها و خط کشی های کاذب برای حفظ روابط محفلی روبرو بودند، اما توانستند از تجربه ی مبارزه در مقابل این تلاش ها و با کنار گذاشتن عناصر «انزوا طلب» و «محفل گرا» به موفقیتی نسبی نائل آیند. اشکال بهانه جویی برای فرار از تحمل درد تعهد و تکامل متنوع بود. یک محفل دیگری را «ضد لنینیسیم» می خواند و از «لنینیسیم» درکی سطحی تا تقلیل یک رهبر کمونیستی به یک پیغمبر فرقه ای ارائه می داد. دیگری شرایط امنیتی را بهانه ی حفظ جدایی و عدم برقراری حداقل ارتباط مورد نیاز برای کار جمعی می نمود. دیگری با هراس جدی شدن کار رفقای را از نظر شخصیتی زیر سؤال می برد و خلاصه انواع و اقسام دست و پا زدن برای حفظ روابطی که عده ی بسیار معدودی از تشکیل دهندگان این محافل را ارضاء میکرد، مورد تجربه قرار گرفت. اما اشتیاق به کار جدی و حرفه ای بر مبنای ضرورت پاسخ به نیاز طبقاتی پرولتاریا، اکثر رفقا را در شکاندن این محافل به نفع کار جمعی به پیش می راند. نتیجه ی این همت جمعی، بغیر از ثابت قدم تر شدن اکثریت رفقا در تجربه های مبارزه با انواع محفلیسم، ارائه ی سندی گشت که بعدها با عنوان «منشور پیشنهادی برای وحدت کمونیست های ایران» به جنبش ارائه شد. «این منشور» در عین پیشنهادی بودنش به کمونیست های انقلابی، چهارچوب موفقی ای برای همکاری درون گروهی را تعیین نمود. اما حتی یک سال مبارزه ی ایدئولوژیک و تغییرات جزئی و کلی در مفاد این سند هنوز همه را راضی نکرده است. تعدادی از رفقا معتقد به ترمیم مفادی از آن هستند. حتی یکی از رفقا بطور کلی با دیدگاه آن مخالف است. اما از آنجاییکه رفقای مخالف آمادگی ارائه ی جملات ترمیمی و یا برنامه مستقل خود را نداشتند، قبول کردند که تا زمان برگزاری اولین کنگره ی متحد کننده ی جریانات کمونیست های انقلابی، در چهارچوب همین برنامه فعالیت نمایند.

عده ای ممکن است فکر کنند که دادن چنین تعهدی، محدود کننده ی فعالیت و ابتکار عمل خواهد بود. اما، تجربه ی ما درست خلاف این را ثابت کرده است. پس از دادن چنین تعهدی به یکدیگر، دیگر لازم نبود که ارتباطات بعضاً خطرناک از دید امنیتی برقرار گردد و رفقا می توانستند با حفظ استقلال گروهی و تشکیلاتی خود به کار و فعالیت های عملی ای روی آورند که باب طبع شان بود و ترکیب خود را مناسب با آن تشخیص می دادند. همینطور می توانستند بر مبنای درک خود از ضروریات مبارزه، تا زمانیکه اقدامات ایشان نقض کننده ی چهارچوب منشور پیشنهادی نباشد و همان هدف، استراتژی و تاکتیک را پیش ببرند، گروه های جدیدی تشکیل دهند و در مبارزه خود از حمایت های مادی و معنوی دیگر گروه ها بهره مند شوند. تشکیل «ندای سرخ» و انتشار مطبوعه ی «خبرنامه ندا» ابتکار عده ای از دانشجویان و جوانانی بود که در مبارزات روزمره ی مردمی حضور مستقیم داشتند. دیدیم که «بسوی انقلاب» نه تنها آنها را از این ابتکار منع نکرد، بلکه در هر جا که ایشان نیاز به کمک و امکانات اجرایی داشتند، به ایشان کمک نمود. قرار گرفتن رفیقی از «بسوی انقلاب» در میان ایشان هم به هیچ عنوان پیش شرط کمک به ایشان نبود، بلکه با مراجعه و به درخواست خود این رفقای جوان صورت پذیرفت. و ایشان نیز تا به امروز از چهارچوب تعیین شده در «منشور پیشنهادی...» تبعیت نموده اند. مطمئناً اگر ایشان این برنامه را نقض می کردند، «بسوی انقلاب» اولین جریانی می بود که انحراف این رفقا را افشاء کرده و در صورت اصرار، جدایی این رفقا را اعلام می نمود.



شماره شانزدهم، سال اول،

بیست و پنجم شهریور ۱۳۸۸

## در این شماره می خوانید

سر مقاله :

\* محفلیسم، آماتوریسیم و انقلاب

دمکراتیک

\* پیام دهم «ندای سرخ»: روز قدس

را چگونه بگذرانیم

متن آموزشی:

\* چپ انقلابی و تشکلات کارگری (۱)

خبرهای کوتاه:

اخبار کارگری و مبارزات مردمی در

هفته ای که گذشت

گزارشات و تحلیل ها:

\* آیا شرایط ما کوچکترین شباهتی به

آرامش دارد؟ - ن. ن.

## «بسوی انقلاب»

را بخوانید و در میان مردم پخش

کنید!



صدای کارگران کمونیست

اما، «بسوی انقلاب» تنها از جریان «تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر» تشکیل نشده است. همانطور که گفتیم، ارائه و تعهد به «منشور پیشنهادی...» دست و بال ما را برای همکاری با جریان‌های مختلف باز کرد. در اوایل زمستان 1387، ما با جریان دیگری که از قبل ارتباط داشتیم، به درک مشترکی از شرایط مبارزه طبقاتی رسیدیم. ایشان نیز چون ما معتقد بودند که به زودی شرایط مبارزه طبقاتی به «شرایط انقلابی» تغییر خواهد کرد. و دوباره به این درک مشترک رسیدیم که شکل کنونی «کمیته‌های فعالان کارگری» نمی‌تواند پاسخگوی چنین اوضاعی باشد و باید برای پرورش و آموزش طبقه کارگر گروهی از مبلغان انقلابی را برای ایجاد هسته‌های کمونیستی و تبلیغ و ترویج برنامه کوتاه مدت و درازمدت کمونیستی به میانشان فرستاد. همچنین، معتقد گشتیم که برای اجرای این طرح نیاز به یک نشریه‌ی کمونیستی واحد داریم که بصورت مستمر و با محتوایی انقلابی - کمونیستی منتشر گشته و محور فعالیت‌های تبلیغی این هسته‌ها قرار گیرد. در اینجا و با این هدف بود که انتشار نشریه «بسوی انقلاب» - گاهنامه سیاسی تبلیغاتی کارگران کمونیست» را آغاز کردیم. البته باید اعتراف کنیم که شرایط جامعه بسیار سریعتر از آنچه ما پیش بینی می‌کردیم تغییر یافت. اما تا وقوع این تغییر توانسته بودیم سه شماره از نشریه را منتشر کنیم. در سرمقاله‌ی اولین شماره با عنوان «بسوی انقلاب» و اهداف آن «نوشتیم: «فوری‌ترین هدف کمونیست‌های ایران و جهان، سرنگونی حکومت دیکتاتوری سرمایه‌داری است. این هدفی است که از ابتدای شکلگیری مرام کمونیستی در بیش از 160 سال پیش اعلام شده و هزاران هزار کمونیست در راه رسیدن به این هدف جان خود را از دست داده‌اند. این هدفی است که کمونیست‌های ایران، در خیابان‌ها، زندان‌ها و حتی چسبیده به دیوارهای اعدام فریاد زده‌اند و از پنهان داشتن آن شرم می‌کنند. هرکس که این هدف را مرکز فعالیت‌ها و تبلیغات خود قرار نداده و ندهد، کمونیست نیست و با "کمونیست" خواندن خود، تنها، خیال بهره‌برداری از تاریخ با عظمت این نهضت و اعتبار آمیخته به آن دارد. هر آنکس که هدف فوری کمونیست‌ها و جنبش کارگری را محدود به بالا بردن دستمزد و شرایط فروش گرانتر نیروی کار به سرمایه‌دار کند، نماینده سرمایه‌داران است و انگیزه‌ای جز تحمیل کارگران و به انحراف کشاندن مبارزات طبقه کارگر از فوری‌ترین و عاجل‌ترین نیاز مبارزه طبقاتی ندارد.

اما آیا صرفاً با سرنگونی حکومت سرمایه‌داری، انقلاب اجتماعی بوقوع پیوسته است؟ خیر! اولاً سرنگونی حکومت سرمایه‌داری فقط به معنای سرنگونی هیئت حاکمه کنونی نیست! خصلت انحصاری سرمایه‌داران همواره باعث می‌شود که جناح بسیار کوچک و نهایتاً چند صد نفره‌ای از ایشان قدرت حکومتی را در دست گرفته و دیگر جناح‌های سرمایه‌داری را از حکومت حذف کنند. همانطور که جناح خمینی، سرمایه‌داران هوادار جبهه ملی و نهضت آزادی و حزب توده و ... را در اوایل سال‌های دهه 60 شمسی حذف کرد. و یا، نمونه‌ی دیگر آن حذف "اصلاح طلبان" طرفدار خاتمی از حکومت در اوایل دهه 80 شمسی بود. دیکتاتوری و استبداد، طبیعت حاکمیت سرمایه‌داری است که همواره جناحی را بر دیگر جناح‌های سرمایه‌داری غالب کرده و گروه‌های رقیب را از قدرت حذف می‌کند. در چنین شرایطی است که جناح‌های دیگر سرمایه‌داری به شکل "مخالف" (اپوزیسیون) در آمده و در شرایط استبدادی، مانند حکومت جمهوری اسلامی، حتی، خواهان حذف فیزیکی و "تغییر رژیم" می‌شوند. [[البته در شرایط دیگری چون کشورهای غربی، که قدرت طبقه کارگر و تشکلات آن به مراتب بیش از ایران است و هرگونه برخورد فحش‌آمیز جناح‌های سرمایه‌داری با یکدیگر می‌تواند آغازگر یک انقلاب اجتماعی و سرنگونی کامل حاکمیت سرمایه‌داری گردد، این جا به جایی قدرت، از طریق انتخابات و بصورت بدون خونریزی انجام می‌پذیرد.]] این نوع جا به جایی قدرت، یعنی سرنگونی هیئت حاکمه و جا به جایی آن با جناح‌های دیگر سرمایه‌داری، انقلاب خوانده نمی‌شود. حتی اگر این جا به جایی، مانند سال 57 از طریق قیام مردمی صورت پذیرد. به همین خاطر است که کمونیست‌ها، انقلاب 1357 را یک انقلاب شکست خورده می‌نامند. انقلاب زمانی پیروز می‌شود که کل دستگاه دیکتاتوری طبقه سرمایه‌دار منهدم شود. و حکومت مستقیم مردم در شکل شورایی و متکی به قدرت مردم مسلح جایگزین آن شود. در غیر اینصورت، انقلاب شکست خورده است و نتیجه‌ای جز استقرار مجدد دیکتاتوری سرمایه‌داری ندارد. حال مهم نیست نتیجه آن را "جمهوری اسلامی" بنامیم، یا "جمهوری دموکراتیک" و یا فقط "جمهوری" و یا ... ، تا زمانیکه حکومت شوراهای متکی بر قدرت مسلح مردمی جایگزین حکومت پارلمانی بورژوازی نگشته‌اند، انقلابی در کار نبوده است و هر آنکس که چنین نتیجه‌ای را "انقلاب" بخواند، هدف و انگیزه اش، سوار شدن بر اعتراضات مردمی برای گرفتن قدرت جناح سرمایه‌داری مطلوب خودش می‌باشد. «(سرمقاله «بسوی انقلاب» شماره یک)

### فهر انقلابی و انقلاب دمکراتیک

یکی از باصطلاح «انتقادات» دوستان جافک به ما اینگونه فرموله شده است: «به قول خودشان (یعنی «بسوی انقلاب» - نویسنده): "ما باید نهادهای مردمی، از قبیل «انجمن‌های محلی»، «انجمن‌های صنفی»، «احزاب سیاسی» و نهادهای دمکراتیک حمایت از حقوق کودکان، برابری زنان، و مذاهب و اقوام و ... را بنا کرده و با تشکل دهی و سازمان یافتگی خود و کل جامعه در این نهادها، قدرت سیاسی مردم را فزونی داده و «قدرت سیاسی و اجتماعی» را به منشاء آن، یعنی مردم، برگردانیم.» (5) (تاکید از ما)

بهرتر است برای تشریح درک نویسندگان «بسوی انقلاب»، از همین نقل قول به اصطلاح موجه شروع کنیم. این یک درک آشکارا تدریجی و مهمتر از آن، رفرمیستی از تحول سیاسی در جامعه‌ای است که تحت یک دیکتاتوری خشن طبقاتی قرار دارد. جمهوری اسلامی طی بیش از 30 سال حیات خود، نقش مرکزی نیروی مسلح ضد مردمی و فخر ارتجاعی را در حفظ نظام کهنه را آشکارا به نمایش گذاشته است. شکل‌گیری همه نهادهایی که در نقل قول بالا ردیف شده، حتی احزاب سیاسی، بدون توجه به خطر رهبری کننده و جهت دهنده (و منحرف کننده) مسیر خودروی جنبش توده‌ای، و در فقدان یک استراتژی انقلابی و ابزار ضروری برای اعمال قهر طبقاتی - انقلابی، نمی‌تواند یک تحول ریشه‌ای اجتماعی و سیاسی را به بار بیاورد. نویسندگان «بسوی انقلاب» با مخدوش کردن صف دوستان و دشمنان مردم، در واقع دوری خود از خط رهبری کننده و جهت دهنده (و منحرف کننده) مورد نیاز را اعلام کرده‌اند. آنان با مسکوت گذاشتن مساله قهر و نقش مرکزی قوای مسلح در نظام طبقاتی، نزدیکی خود به برداشت‌های رفرمیستی و سوسیال دمکراتیک از نحوه تغییرات اجتماعی و سیاسی را به نمایش گذاشته‌اند. «

واقعاً که برخورد این دوستان به فعالیت سیاسی و تبلیغ و ترویج یک دید کاملاً آنوری و دور از واقعیت‌های مبارزاتی است. ایشان فکر می‌کنند که در امر تبلیغات، در یک پیام و یا اعلامیه و یا بیانیه و ... همه مواضع یک جریان باید یکجا و به یک شکل مطرح شود. در همینجا از خوانندگان خود برای آوردن نقل قولهای طولانی عذرخواهی می‌کنیم، اما پیش گرفتن شیوه‌ی مغالطه آمیز دوستان جافک راهی برای ما نمی‌گذارد جز آنکه نقل قولهایی را که ایشان از رفقا «ندای سرخ» آورده‌اند را در چهارچوب واقعی اش نشان دهیم. رفقای «ندای سرخ» در پیام هفتم به دلایل «شکست فراخوان تجمع در بازار تهران» (به تاریخ 21 مرداد 1388) پرداخته بودند و سعی داشتند تا به مردم درگیر مبارزات نشان دهند که چرا دیدگاه رفرمیستی دست به چنین اقداماتی می‌زند و چرا این اقدامات توفیق نمی‌یابند. رفقای «ندای سرخ» به درستی اتخاذ چنین تاکتیک‌هایی نا کارآمدی را به دیدگاه و استراتژی اصلاح طلبانه رهبری «جنبش سبز» (همانهایی که جافک مدعی شده است که رفقای ما به دنبالشان افتاده بودند) نسبت داده و کل دیدگاه رفرمیستی ایشان را نقد کرده بودند. بخوانید و خود قضاوت کنید:

«با کمی دقت به نظرات موجود در جامعه ایران، متوجه می‌شویم که سه نیرو با اهداف مشخص خود در این درگیری‌ها شرکت دارند. نیروی اول، نیروهای جناح کودتاچیان حکومت جمهوری اسلامی هستند. این حکومت از دو بازوی نیروهای سرکوب فیزیکی، مانند پلیس و سپاه و بسیج و اطلاعات چی‌های لباس شخصی و ... و سرکوب ذهنی، مانند خامنه‌ای و روحانی‌های طرفدارش و مطبوعات و صدا و سیما و ... تشکیل شده است، که هدفشان چیزی جز سرکوب قهرآمیز مبارزات مردم تا نقطه توقف دخالت عمومی در مسائل سیاسی و استقرار تمام عیار دیکتاتوری و خفقان نیست. ایشان با کودتا علیه جناح اصلاح طلب حکومتی در انتخابات ریاست جمهوری دهم، آنها را از هیئت حاکمه حذف کردند و قدرت سیاسی را

کاملاً مال خود نمودند. نیروی دوم، همین جناح مغلوب هیئت حاکمه است. متشکل از گروه‌های طرفدار هاشمی رفسنجانی و کروی و خاتمی و موسوی و ... که هدفشان بازگشت به مقام خود در هیئت حاکمه و تقسیم قدرت می باشد. اما، از آنجا که فعلاً از قدرت سیاسی حذف شده اند و دسترسی به امکانات حکومتی برای پیشبرد اهداف خود ندارند، متوسل به نیروهای مردمی گشته اند و می خواهند از آن بصورت عامل فشار بر روی جناح حاکم استفاده کنند و ایشان را مجبور سازند تا برای گروه های ایشان نیز در هیئت حاکمه، چون گذشته، جایی را باز کنند. اما نیروی سوم، نیروهای مردمی هستند. یعنی نیروی تجمع کنندگان و تظاهرات های مردمی و همان نیرویی که برای دست یافتن به آزادی های متعارف فردی، از قبیل حق تعیین سرنوشت خود و خانواده شان و عدم دخالت حکومت در زندگی خصوصی شان، آزادی بیان و قلم، تجمعات، احزاب و تظاهرات و اعتصاب و دخالت در امور سیاسی و ... به خیابان ها آمده است. یعنی همان نیرویی که فکر می کرد اگر در انتخابات شرکت کند و جناح اصلاح طلب را به حکومت برگزیند با ندادن هزینه یک انقلاب تمام عیار، می تواند به اهداف مذکور برسد.

اما چنین نشد. کاملاً واضح بود که حکومت بیت رهبری و سردار پاسداران حاضر به تسلیم قدرت نیستند و حاضرند برای باقی ماندن در قدرت دست به هر کاری بزنند، که زنده! شرایط امروزی دو نیرو را در مقابل دولت کودتا و سرکوب نظامی اش؛ تا مقطع شکاندن مقاومت کودتاجیان، همراه کرده است. نیروی عاری از هرگونه قدرت جناح مغلوب حکومتی (اصلاح طلبان) و نیروی مقتدر و رزمنده ی مردمی! اگر اتخاذ تاکتیک مناسب تنها بر مبنای شرایط کنونی بود، شاید هر دو نیروی اصلاح طلبان و مردمی، راه و شیوه ی مشترکی را اتخاذ می نمودند. اما اینگونه نیست! اتخاذ تاکتیک، فقط بر مبنای شرایط کنونی تعیین نمی شود، بلکه در آمیخته با هدف نهایی است. مثلاً اگر هدف نیرویی اشغال «موصل» باشد و نیروی دیگری بخواهد «بصره» را بگیرد، مسلماً نیروهای خود را به اشکال متفاوت چیده و بلندی های متفاوتی را برای فتح در نظر می گیرند. بنابراین می بینیم که روش و تاکتیک در ارتباط ناگسستنی با هدف تعیین می شود. هدف اصلاح طلبانی چون هاشمی و ... برگشتن به قدرت سابق شان است. اما دارای نیرویی حکومتی که بتواند اراده شان را به کودتاجیان تحمیل کند نیستند. پس سعی می کنند که با متقاعد کردن نیروی مقتدر مردمی به اهداف خویش، از این نیرو، برای پیشبرد هدفشان استفاده کنند. تاکتیک «گام به گام» اینگونه تعیین شده است. که «مردم بیاید اول موصل را بگیریم و بعد به سمت بصره می رویم.» در صورتیکه «موصل» هدف نهایی ایشان است و هیچ تمایلی برای فتح «بصره» ندارند. هدف ایشان، بازگشت به قدرت است و هیچ خیالی برای فتح آزادی های فردی توسط مردم ندارند. همینکه به قدرت برسند، نه تنها ما را همراهی نخواهند کرد، که از قدرت به دست آمده برای سرکوب مجدد ما استفاده خواهند نمود. همانطور که در زمانیکه خودشان جمعاً ۲۴ سال از ۳۰ سال گذشته در قدرت و بعنوان شخص اول مملکت بودند و ما را همچون همین دولت کودتا سرکوب کردند.

اینها را گفتیم که ببینید، هنگامیکه ایشان اعلام تجمع می کنند و این تجمعات را سراسری می خواهند و ما را به جلوی کاخ ریاست جمهوری و مجلس و بیت رهبری در ساعات اولیه ی روز می برند، به این علت است که می خواهند از نیروی ما برای اعمال فشار استفاده کنند تا جناح مقابل را وادار سازند که در را بر روی ایشان باز کند. به همین علت است که همواره می گوید، «جانان را باید بخشید و فراموش کرد»، که میاذا احمدی نژاد و خامنه ای فکر کنند که اگر حاضر به عقب نشینی بشوند و در را بر روی ایشان بکشایند، مورد بازداشت و محاکمه و ... قرار خواهند گرفت. و یا اعلام می دارند که «سپاه و بسیج یاران ما هستند و هدف ما انحلال آنان نیست»، چرا که هدفشان به دست آوردن قدرتی است که این مزدوران به آنها خواهند بخشید. بدون سپاه و بسیج و دیگر نیروهای مسلح و ابزار سرکوب، دیگر قدرتی نمی ماند که ایشان بخواهند در آن شریک شوند.

**اما، هدف مردم «دمکراسی» است. یعنی نظام سیاسی ای که به ایشان قدرت تعیین سرنوشتشان را بدهد و آزادی های فردی شان را تضمین کند.** همانطور که راه «بصره» از «موصل» نمی گذرد، راه «دمکراسی» هم از شراکت اصلاح طلبان در نظام دیکتاتوری ولی فقیه اسلامی نمی گذرد.

۳، تظاهرات های شبانه همراه با شعارهای شبانه: همانطور که گفتیم، تظاهرات های صبحگاهی در مناطق حساس حکومتی در شرایط حاضر که فشر وسیعی از مردم هنوز به مبارزات نپیوسته اند، به درد استقرار دمکراسی نمی خورد. بلکه تنها به درد اصلاح طلبانی میخورد که می خواهند با فشار بر نقاط حساس حکومتی آن را وادار به برداشتن یک قدم به عقب کنند. در صورتیکه استقرار دمکراسی نیاز دارد تا کلیه ابزار و آلات دیکتاتوری محو گردد و به جای آن نهادها و بناهای یک نظم نوین احداث شود. به همین جهت است که نیروهای مردمی و خواهان دمکراسی باید مبارزه را طولانی مدت تر در نظر بگیرند و گول حرف های اصلاح طلبان را که میگویند «با تعطیلی بازار همه چیز تمام است» و یا «با استعفای احمدی نژاد مبارزه به اهدافش می رسد» را نخورند. ما برای استقرار دمکراسی نیاز به درگیری تمامی جمعیت ایران در ساختمان نظام سیاسی و حقوقی دمکراتیک داریم. **ما در پیام ششم خود توضیح دادیم که «دمکراسی» چیست و چگونه حاصل می شود. ما باید نهادهای مردمی، از قبیل «انجمن های محلی»، «انجمن های صنفی»، «احزاب سیاسی» و نهادهای دمکراتیک حمایت از حقوق کودکان، برابری زنان، و مذاهب و اقوام و ... را بنا کرده و با تشکل دهی و سازمان یافتگی خود و کل جامعه در این نهادها، قدرت سیاسی مردم را فزونی داده و «قدرت سیاسی و اجتماعی» را به منشاء آن، یعنی مردم، برگردانیم.** همانطور که گفتیم، در چنین زمانیکه مبارزه با دیکتاتوری، جو و شرایط همگرایی را در میان ما بوجود آورده باید از آن استفاده کرد و خود و دیگران را تشویق به سازماندهی و ایجاد چنین نهادهایی نمود. چنین شرایط همگرایی ای اینک پس از گذشت ۳۰ سال، دوباره ظاهر گشته است و اگر از این موقعیت استفاده نکنیم، معلوم نیست چند دهه ی دیگر را باید زیر تحمل استبداد و دیکتاتوری بگذرانیم.

پس می بینیم که مخاطب رفقای «ندای سرخ» مردم حاضر در مبارزات است و ایشان به چه زبان ساده ای رابطه ی دیدگاه، استراتژی و تاکتیک اصلاح طلبان را برایشان توضیح داده اند و از دیدگاه کمونیستی نقدشان کرده است. در اینجا کاملاً و واضحاً اعمال قهر حکومتی را توضیح داده اند و نشان داده اند که قدرت حکومت از نیروهای مسلحی برخاسته است. نقش حکومتی اصلاح طلبان را در استفاده از همین ابزار قهر در 24 سال از 30 سال حکومت جمهوری اسلامی و نیت آنها از حفظ این ابزار برای به کار گیری مجدد آن افشا کرده اند. اما چون دستور «قیام مسلحانه» مردم در این پیام بخصوص صادر نشده است، به «مخدوش کردن صف دوستان و دشمنان مردم» متهم می شوند. ایکاش این رفقا نمونه ای از پیامهای خود را برای ما می آوردند که ما ببینیم ایشان چه کرده اند و چه آگاهی ای را در آن زمان به مردم منتقل نموده اند؟

نکته بعدی در مورد نقل قول «متهم کننده ای» که از رفقای «ندای سرخ» آورده شده است، اینست که نقل قول شان را با حذف آن قسمت که این رفقا به مخاطبینی که احیاناً پیام ششم شان را نخوانده اند آدرس داده اند که برای فهم بهتر از این گفته شان به آنجا رجوع کنند، آغاز کرده اند. رفقای «ندای سرخ»، قبلاً در پیام ششم شان، یعنی در جایی از «انقلاب و دمکراسی» صحبت کرده اند به مخاطبین خود گفته بودند که:

« دروغ دیگری که میلیاردها میلیارد دلار خرج کرده اند تا ما را نسبت به واقعیات «انقلاب» خواب کنند، اینست که گویا «انقلاب» یعنی خشونت و تخریب و کشت و کشتار که هزینه ای بس سنگین برای تغییر یک جامعه است. در صورتیکه می بینیم که این حکومت ظالمانه ی دیکتاتورها است که در تمام طول حاکمیت شان با اعمال خشونت و کشتن مردم و تخریب زندگی میلیونها انسان منافع و مقاصد پست شان را جلو می برند. کجا بودند آنهاست که «عدم خشونت» را بنا بر «نظرات کارشناسانه» شان موعظه کرده و «انقلاب» را عامل خشونت معرفی می کنند؟ انقلاب ایران هنوز دو ماه نشده که آغاز گشته و الآن هم این حکومت است که می زند و می کشد و زندان می اندازد. کاری که سی سال مداوم است که انجام داده و تا زمانیکه هست، ادامه خواهد داد. پس «انقلاب» نه تنها عامل خشونت و کشت و کشتار نیست، بلکه پاسخی فاطعانه به خشونت و از بین بردن آن است.

نکته ی دیگری که حاکمان حکومت های دیکتاتوری و استثمارگری میلیاردها میلیارد خرج کرده اند تا مزدوران خود را با عنوان های «تاریخ دان» و «تاریخ ساز» و «تاریخ نویس» و «عالمان اجتماعی» و «فیلسوف» اجتماعی به ما بفولانند، اینست که انقلاب «مخرب» است و نتیجه ای جز از هم پاشیدگی ساختار اجتماعی ندارد. اینهم دروغ دیگری است که با اینکه مردم ما تازه بیدار شده اند و کمتر از دو ماه است که انقلاب را تجربه می کنند، به کذب بودن آن پی برده اند. مثلاً، «آزادی اجتماعات و تظاهرات» را در نظر بگیرید. ساختار حکومت جمهوری اسلامی اینگونه است که «آزادی اجتماعات و تظاهرات» را غیر قانونی می شمارد. هم اکنون نیز با استناد به همین قوانین، اعتراضات و اجتماعات مردمی را به گلوله می بندد. اما مردم با اولین اقدام انقلابی خود، ساختار پوسیده ی جمهوری اسلامی را در این محدوده به چالش کشیده و سعی دارند تا حق دمکراتیک آزادی

اعتراضات و اجتماعات را جایگزین آن نمایند. از همین مثال نتیجه می گیریم که اقدامات انقلابی مردم، درست است که ساختار و روابط مسلط در نظام قدیمی و پوسیده را هدف می گیرد و تخریب می کند، اما در همان حال روابط و ساختار نوینی را جایگزینش می سازد. دروغ «کارشناسانه» اساتید و فیلسوف های حکومتی در اینجاست که خصلت و خصوصیت سازندگی انقلاب را پنهان می سازند و کاذبانه به مردم القاء می کنند که انقلاب صرفاً تخریب کننده ی ساختارهای اجتماعی است.

و اما در مورد «دمکراسی»، در پیام اول خود توضیح دادیم که ما برای تحقق خواسته های دموکراتیک مردم اقدام به شرکت در این مبارزات کردیم. همچنین خاطر نشان ساختیم، این خواسته ها، که توده ی مردم آنها را بنام «حقوق بشر» می شناسد، تنها در شرایطی قابل تأمین و تضمین می باشد که «حق حکومت» تمامی افراد جامعه، که پس از «حق بقاء»، ابتدایی ترین و اساسی ترین حق بشری است تأمین شده باشد. بسیاری از عوام از «حق حاکمیت مردم» برداشت محدودی داشته و آن را با «حق رأی عمومی» اشتباه می گیرند. قدرتمندان جوامع بشری، قرنهایست که از حساب بانکی و بودجه های حکومتی استفاده کرده اند و اساتید و «دانشمندان» فراوانی را ساخته اند، تا چنین توهم و دروغی را از طریق کلاسهای درس و کتاب نویسی و سخنرانی و مصاحبه و فیلمسازی و ... شایع کنند. متأسفانه در کار خود نیز موفقیت بسزایی داشته اند. اما، همانطور که در ایران هم می بینیم، داشتن «حق رأی عمومی» به معنای «حاکمیت مردم» (دمکراسی) نمی باشد. در بسیاری از کشورها، اول شخص مملکت را از طریق «انتخابات عمومی» بر می گزینند و نام خود را «جمهوری فلان و بهمان» می گذارند. اما، در این کشورها، دموکراسی وجود ندارد. مانند جمهوری خلق چین، جمهوری سوریه، جمهوری های آسیای مرکزی و آفریقایی و آمریکای لاتین، همه و همه جمهوری هستند و به زنان و مردان بالغ شان «حق رأی» داده اند، اما، کشورهای دموکراتیکی نمی باشند و حقوق دموکراتیک مردم خود را از ایشان سلب کرده اند. در عوض کشورهای می مانند سوئد و دانمارک و ... داریم که علیرغم نظام سیاسی مشروطه سلطنتی، که شخص اول مملکت از طریق موروثی به تخت پادشاهی می نشیند، حقوق دموکراتیک مردم را، تا مقدار زیادی رعایت می کنند. مطمئناً، داشتن «حق رأی عمومی» یکی از واجبات دموکراسی است. اما دموکراسی به آن محدود نمی شود. ما باید از خود سوال کنیم، چه چیز است که حکومتی را وادار به رعایت حقوق دموکراتیک مردم می کند؟ با یافتن این عامل مشترک، ما به معنا و مفهوم دموکراسی نیز نزدیکتر می شویم. همان معنا و مفهومی که نظرات «کارشناسانه» سعی در پنهان نگاه داشتنش دارند. در بررسی ساختار سیاسی کشورهای جهان متوجه می شویم، در هر مملکتی که نهادهای مردمی و مستقل از حکومت، سابقه ی دیرینه تری داشته و در اشکال متنوع انجمن های محلی، اتحادیه های کارگری و صنفی، انجمن های غیر دولتی و احزاب و مطبوعات آزاد و ... مردم را مطلع و متشکل کرده و قدرتمند تر می سازند، به همان نسبت، حکومت ها نیز مجبور به رعایت حقوق دموکراتیک مردم می شوند. و در هر جایی که این نهادها ضعیف و یا غایب اند، حکومت های آنها نیز بیشتر به حکومت مطلقه و دیکتاتوری تمایل دارند. در همین ایران خودمان هم شاهد بودیم که در روند انقلاب پیشین، هنگامیکه نهادهای محله ها و شوراهای کارگری و ... شکل گرفت، حتی قبل از ۲۲ بهمن ۵۷، فضای سیاسی کشور باز تر شد و مطبوعات مستقل شکوفا شد و رشد کرد. مرتجعین مذهبی تنها زمانی توانستند حکومت استبدادی و دیکتاتوری خود را مطلقه کرده و به ما تحمیل کنند که تا سال ۱۳۶۰ با سرکوب های خونین و خشونت بی سابقه، این نهادهای دموکراتیک را منحل کرده و با انجمن های اسلامی وابسته به حکومت شان جایگزین کنند. شوراهای اسلامی کارگری و نشریات وابسته به حکومت و کمیته های محلی وابسته به مساجد و روحانی حکومتی و ... جایگزین نهادهای مستقل و دموکراتیک مردمی و پایگاهی برای تحمیل اراده ی حکومت دیکتاتوری به مردم شدند. و مجموعاً، در کنار دولت و قوه قضایه و مقننه، ساختار سیاسی جمهوری اسلامی را تشکیل دادند.

پس برای استقرار «دمکراسی» در ایران فردا، ما باید با اقدامات انقلابی خود، به انهدام و انحلال نهادهای حکومتی، و تشکیل دوباره ی نهادهای مردمی و مستقل از حکومت ها بپردازیم و جایگزین نهادهای حکومتی کنیم. یکی از ابتدایی ترین و مهمترین نهادهای مردمی که هم استفاده ی بلافاصله در پیشبرد مبارزات مردمی دارد و هم در درازمدت، تضمین کننده ی قدرت مردمی است، انجمن ها و یا کمیته های محلی است. با خواندن مطالب بالا، آیا دوستان جافک، خجالت نمی کشند که چنین تهمت های ناروایی را به این رفقا نسبت می دهند؟ آیا این نمونه ای از انتقاد سازنده است؟

ما در پایان این بخش خوانندگان خود را به مفاد «منشور پیشنهادی...» که مربوط به این بحث مشخص می شود رجوع می دهیم تا توهم اینکه رفقای «ندای سرخ» در مقطعی پایشان به سمت آشتی با اصلاح طلبان حکومتی لغزیده است را نیز بر طرف سازیم و نشان دهیم که عملکرد این رفقا همواره در چهارچوب اعلام شده ی برنامه مبارزاتی ما بوده است. بنابراین در عوض این شعبده بازی ها و نق زدن های اپورتونیستی (فرصت طلبانه) بهتر بود که این دوستان وارد یک بحث اصولی و ایدئولوژیک بر روی مفاد و یا کلیت «منشور پیشنهادی...» می شدند.

«ج- بورژوازی این نظام و روابط و مناسبات موجود را از طریق اعمال دیکتاتوری طبقاتی خود توسط حکومت های سرمایه داری و بعضاً با ائتلاف با دیگر طبقات ارتجاعی، در سراسر جهان به پرولتاریا تحمیل کرده و از آنجایی که این نظام بر مبنای تولید اجتماعی از یکطرف و کنترل خصوصی بر ابزار و روند محصول تولید از طرف دیگر، قرار دارد، حامل تضاد است که نیروهای مولده را در تضاد با مناسبات و روابط تولیدی قرار داده و نهایتاً به فروپاشی آن خواهد انجامید. پرولتاریای جهانی چاره ای جز مبارزه برای سرنگونی این حکومت ها و جایگزینی آن با دیکتاتوری پرولتاریا که تنها شکل استقرار آن حکومت شورایی است، نداشته و در صورت عدم موفقیتش، آلترناتیوی جز بازگشت به بربریت در مقابل جامعه انسانی وجود ندارد.

ه- طبقات عمده متخاصم حاضر در این جامعه پرولتاریا و بورژوازی می باشند.

و- هدف نهایی طبقه کارگر ایران به همراه طبقه کارگر جهانی سرنگونی حکومت بورژوازی به عنوان سرآغاز انقلاب سوسیالیستی بوده تا نه تنها نظام سرمایه داری، بلکه کلاً نظام طبقاتی جامعه بشری را منهدم کرده و بنای جامعه بدون استثمار و طبقه و کمونیستی را جایگزین کند.» (بندهای جیم، ه، واو از ماده 1. نظام تولیدی و اهداف)

«با در نظر گرفتن شرایط جهانی و تلاش سرمایه داری بومی برای ادغام در سرمایه جهانی، فشار مضاعفی بر کارگران وارد آمده و با پیروی از سیاست های نولیبرالیستی جهان، از طریق خصوصی سازی و سیاست درهای باز اقتصادی، باعث ورشکستگی رشته های مختلف تولیدی و نتیجتاً بیکاری و فقر گسترده تر اجتماعی گشته است. چنین شرایطی باعث وخامت بحران های اقتصادی و اجتماعی گشته، بطوری که دیگر قابل تحمل نبوده و مدتی است که مبارزات اجتماعی رو به اعتلا گذاشته و می رود تا در تداوم خود شرایط انقلابی را به جامعه تحمیل کند.

الف- طبقه کارگر ایران نه تنها از چنین شرایطی واهمه نداشته، بلکه به استقبال چنین اوضاعی رفته و از این فرصت برای سرنگونی و انهدام ماشین حکومتی بورژوازی و استقرار حکومت دیکتاتوری پرولتری به شکل دموکراسی مستقیم شوراهای استفاده می کند. حکومت شوراهای تنها شکلی از حاکمیت بشری در جامعه ی طبقاتی می باشد که می تواند کلیه امتیازات سیاسی و حقوقی را از بورژوازی سلب کرده و از این طریق راهگشای تغییر کلیدی روابط تبعیض آمیز طبقاتی، جنسیتی، ملیتی و مذهبی باشد.

ب- کمونیست ها با هر گونه قرائت لیبرالی و رویزیونیستی از سوسیالیسم که زیر عبارات عوام فریبانه ی "جمهوری دموکراتیک"، "جمهوری دموکراتیک خلق" و یا "جمهوری دموکراتیک نوین" سعی در ابقای اشکال هر می و پارلمانی قدرت بورژوازی را دارند و حتی به نام سوسیالیسم به جای حکومت مستقیم مردم از طریق شوراهای سعی در جایگزینی "نهاد نمایندگی بورژوازی" را داشته و "دیکتاتوری حزبی" را معادل با دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریا می نمایند، مرزبندی داشته و معتقدند که تنها شکل حکومتی ای که پرولتاریا می تواند از آن برای استقرار دیکتاتوری طبقاتی اش استفاده کند، شیوه حکومت شورایی از نوع کمون پاریس می باشد که با اتکا به نیروهای مسلح داوطلبانه مردمی حکومت کرده و هیچ نیروی مسلح متمرکز دیگری را تحمل نخواهد کرد.

ج- کمونیست ها همچنین با دیدگاه های اپورتونیستی که استراتژی طبقه کارگر را استقرار "حکومت کارگری" عنوان کرده و بدون هیچ تعریفی از آن، در را برای سازش با قرائت های رویزیونیستی و غیرکمونیستی باز می گذارند، مرزبندی دارند.» (مقدمه و بندهای الف، ب، و جیم از ماده 2. استراتژی)

و این ما را به قسمت بعدی، یعنی، درک ما از استقلال طبقه کارگر و آلترناتیو پرولتری می رساند.

ادامه دارد ...

## پیام دهم «ندای سرخ»: روز قدس را چگونه بگذرانیم

جمعه ۲۷ شهریور، که آخرین جمعه ماه رمضان است و به نام «روز قدس» معروف شده، موقعیت دیگری را در دست رهبران احزاب و گروه های اصلاح طلبان حکومتی در تشکل های «راه سبز امید»، «اعتماد ملی» و «مجمع روحانیون» و دیگر احزاب باصطلاح «اپوزیسیون درون حکومتی» قرار داد تا مردم را به «اعتراض سبز» و «تظاهرات سکوت» و ... فرا بخوانند و با استفاده از امکانات حکومتی و موقعیت های تبلیغاتی اینکه متحدان خارجی شان برایشان فراهم نموده اند، موج جدید احتمالی را که بعد از بازگشایی دانشگاه ها به راه خواهد افتاد را به خود نسبت دهند و خود را در مقام رهبری این جنبش و آغازگر آن معرفی کنند. البته این هم مانند دیگر کارهای تبلیغاتی شان تلاش برای ایجاد توهم دیگری بین مردم از همه جا بی خبر است. واقعیت آنست که مبارزات انقلابی مردم هرگز متوقف نشده بود که ایشان آغازگر مجدد آن باشند. مبارزات مردمی در سطح کوچه و بازار و محلات همچنان ادامه داشت و شور و شوق انقلابی هرگز از بین نرفته بود، بلکه به اشکالی متنوع تر و بنیادی تر از «تظاهرات های متمرکز» مردمی پیش می رفت، که البته به علت سیاست فرصت طلبانه ی اصلاح طلبان مورد تبلیغ ایشان قرار نمی گرفت، اما، هرکس که مایل به دانستن باشد، می تواند با رجوع به شماره های روزانه ی «خبرنامه ندا» و پیامهای «ندای سرخ» از آنها مطلع شود.

هنگامیکه موسوی و طرفدارانش، برای بهره برداری بهتر از مبارزات مردمی و کنترل متمرکزتر بر آنها، مشغول سازماندهی خود در حزب جدید «راه سبز امید» بودند و طرفداران کروی نیز بر طبل «افشاگری» فجاجی قبلاً افشا شده ی شکنجه و تجاوز بازداشتیان می پرداختند و هاشمی رفسنجانی نیز با اعمال فشار از طریق «معتراض روحانی» بر جناح حاکم، گرفتار مانورهای سیاسی و بده بستان های حکومتی بود، مبارزات مردمی ریشه ای تر می شد. طبقه کارگر پس از یک وقفه کوتاه مدت به خود آمد و مبارزات صنفی خود را با روش ها و خواسته های رادیکالتر احیا نمود. خانواده های زندانیان سیاسی و جانبختگان راه آزادی، تجمعات روزانه ی خود را در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین و گردهمایی هفتگی در پارک لاله نهادینه ساختند. هسته های تبلیغاتی «پاران خیابانی» در و دیوارها محلات را مزین به شعارهای «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر دیکتاتور» کردند. دانشجویان بازگشتی برای امتحانات معوقه، مجدداً خوابگاه ها را به مرکز مبارزه سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی و استبداد نمودند. تظاهرات های چند صد نفره و گاه چند هزار نفره در محلات نیز ادامه داشت. این تحركات مردمی نشاندهنده تداوم مبارزات مردم در سطوح بنیادین و ابعاد مختلف بود. مهمتر آنکه هزینه این اقدامات به مراتب کمتر از استفاده از تاکتیک اصلاح طلبان بود و در عمل نشان داد که اگر مردم با داشتن دیدی درازمدت تر از آنچه اصلاح طلبان تبلیغ می کنند و با اهدافی به مراتب بنیادی تر و قدمهایی با ثبات تر بسوی انقلاب و دموکراسی پیش روند، به مراتب هزینه های کمتری خواهند پرداخت. بنابراین وظیفه دوستان و رفقای آگاه در هسته های مبارزاتی است که با توجه به تجربه های بدست آمده و با به کارگیری آنها، خود و «پاران خیابانی شان» را برای موج جدید اعتراضات پائیزی آماده کنند.

نکات مهمی که از آغاز مبارزات تا کنون تجربه کردیم این بود که: (1) تمرین و آموختن انقلاب و دموکراسی در عمل و مبارزه برای اجرای آنان است. مبارزات طبقاتی و اجتماعی تعطیلی بردار نیست و همواره جاری است. پس یکی از مهمترین بخش تدارکات برای پیشبرد انقلاب و تحقق دموکراسی، جمع بندی گروهی و اجتماعی از مقاطع و مراحل قبلی است و با حصول چنین دانشی است که نهایتاً جامعه، خود را به سطح آگاهی و آمادگی لازم برای احقاق خواسته های گروه های مختلف و متنوع اجتماعی می کند. (2) همچنین، بر خلاف ادعای اصلاح طلبان حکومتی، دموکراسی از تغییرات گام به گام اصلاحات درون حکومتی نمی گذرد و با استفاده ی ابرازی از مبارزات فشرده و متمرکز مردمی قابل دستیابی نیست. بلکه تا زمانی که دستگاه های سرکوب نظام جمهوری اسلامی توانایی برخورد با تجمعات و تحركات مردمی را دارند، هیچگونه تغییر قابل توجهی در اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران نمی توان بوجود آورد و اهداف دموکراتیک طبقات و قشرهای مختلف و متنوع مردمی را محقق ساخت. بنابراین ما باید به این مبارزات دیدی درازمدت تر از اصلاح طلبان حکومتی داشته و هر مقطع و مرحله از آن را بمثابة ی قدمی در تدارک بر داشتن قدم بعدی بدانیم. چرا که خلع سلاح و انهدام ماشین حکومتی نیاز به نیرویی به مراتب وسیع تر از دانشجویان و جوانان دارد و بخصوص تا زمانیکه طبقه کارگر آماده ی مبارزه ی مستقیم برای تغییر شرایط سیاسی مملکت نگشته است، توفیق در این راه امکان پذیر نخواهد بود. (3) نکته ی بعدی اینکه، ما در مقابل سازماندهی طبقاتی ای روبرو هستیم که تقسیم کار پیچیده و مؤثری را در یکصد سال گذشته برای حمایت و حفاظت از منافع خود بوجود آورده است. آنقدر پیچیده که یکی از ابزار تحمیلی آن را، اینک مردم بعنوان نیرویی خودی می پندارند. و آنقدر مؤثر که توانسته است اراده اقلیتی چند هزار فامیلی را، علیرغم اجماع اراده ی هفتاد میلیونی مردم، به ما تحمیل کند. پس این نیروی عظیم مردمی نیز نمی تواند چون رهنمودهای اصلاح طلبان حکومتی، گله وار به مبارزه ادامه دهد. اگر ما نتوانیم خود و مردم را در در اشکال مختلف سازمان یابی اجتماعی متشکل کنیم، نخواهیم توانست، از شر دیکتاتوری این طبقه ی چند هزار فامیلی رها سازیم. ما اشکال متنوعی را در پیام های گذشته معرفی کرده ایم. اما، به علت کمبود نیرو و وقت تنها توانسته ایم یکی از این تشکلات را (انجمن یا شورای محلی) که بر مبنای شرایط روز از اهمیت بالایی برخوردار است، برای شما بشکافیم. البته در پیام و اطلاعیه کارگری مان نیز تا حدودی به شکل سازماندهی شورای کارخانه ها هم پرداخته ایم. امیدواریم در پیامهای آتی بتوانیم به چند نوع دیگر آنها بپردازیم. (4) جامعه ایرانی برای انجام چنین جهش انقلابی ای نیاز به هماهنگی و همگون بودن زیادی نیاز دارد. نباید به دام تبلیغات و فراخوان های پیاپی اصلاح طلبان برای انجام تظاهرات و تجمعات مرکزی بیافتیم. با در نظر گرفتن نیروی محدود جوانان و دانشجویان، نباید به شرایطی وارد شد که آمادگی آن را نداریم. دقت کنید که نیروهای اصلاح طلب فقط به منافع فوری خود می نگرند و نیروی مردمی را نه بعنوان نیروی متحول کننده اجتماعی، بلکه فقط بمثابة ی اهرم فشار بر جناح مقابل می خواهند. همانطور که در این چند ماه دیده ایم، آنها اهمیتی به هزینه ی بالای رویارویی های متمرکز در زمان و مکان هایی که نیروهای سرکوبگر حکومتی در آماده گی و تمرکز کامل به سر می برند، ندارند. ما بدون انکار اهمیت مبارزات گسترده و متمرکز برای آموزش و آماده سازی، باید نیروهای خود را در زمان و مکان و شیوه هایی که آمادگی شان را داریم به درگیری با حکومتیان بکشانیم.

بنابر گفته های بالا ما معتقدیم که فردا، جمعه «روز قدس»، زمانیکه نیروهای حکومتی خود را در مقابل دانشگاه و خیابان و میدان انقلاب متمرکز کرده اند، زمان مساعدی برای تجمع و تظاهرات نیروهای مردمی است. اما، نه در مکان ها و مسیرهای اعلام شده توسط حکومتیان مرنج و اصلاح طلب! ما باید نیروهای خود را در میادینی متمرکز کنیم که به محله های مسکونی مان نزدیک می باشند تا بتوانیم با حداکثر نیروی ممکن در مقابل حداقل نیروی سرکوبگران روبرو شویم. در مورد چگونگی شکل دادن به صف ها و ... صحبتی نمی کنیم، چراکه در این چند ماهه مردم نشان داده اند که خود مبتکرانه تر از هر کارشناسی توانسته اند در میدان ها تصمیم گرفته و بصورت ماهرانه اجرا کنند. اما خاطر نشان می سازیم که این تجمعات نباید دچار توهمات مبلغان خط مشی «عدم خشونت» باشند. هسته های «پاران خیابانی» باید خود را با انواع ابزار دفاعی تجهیز کنند. نباید گذاشت تا سرکوبگران بدون هیچ مقاومتی پارانیشان را بازداشت کرده و سرکوب کنند. در هر جا که سرکوبگری به جان یک نفر یا گروه می افتند باید فوراً نفرات و گروه های دیگر با تهاجم به آنان به کمک پاران خود بپردازند و با قدرت جماعت خود، آنان را وادار به فرار و عقب نشینی کنند.

یکی از دلایلی که ما پیشنهاد می کنیم در میادین نزدیک به محله های مسکونی خود تجمع کنید اینستکه بیشترین تلفات و بازداشت ها زمان پایان تظاهرات ها و متفرق شدن جمعیت اتفاق می افتد. هنگامیکه متوجه می شوید مردم در حال خالی کردن میدان و رفتن به خانه ها هستند، باقی ماندن در میدان اشتباه است. بلکه باید هر چه سریعتر و منظم تر، به شکل جمعی منطقه را ترک کرده و به محله های خود باز گردید.

مرگ بر جمهوری اسلامی

نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی

انتشار از «ندای سرخ» ۲۵ شهریور ۱۳۸۸

## اخبار کوتاه

### پخش اعلامیه دوم کارگری «ندای سرخ» در تهران و اراک

اعلامیه ی زیر اول این هفته از طرف رفقای «ندای سرخ» منتشر گشت و هم اکنون در حال پخش در محلات کارگر نشین اراک و تهران می باشد:

**هشدار دیگری به کارگران ایران**

**عکس العمل منفی سرمایه داران به سخنان خامنه ای بورس را تعطیل کرد!**

در صبح شنبه خبر خارق العاده ای جمعیت سرمایه داران ایران را تکان داد. این خبر بسته شدن درهای بورس تهران و تعطیلی معاملات آن بود. خبرهای رسمی که در سایت «الف» وابسته به توکلی، نماینده اصولگرای مجلس، منتشر گشت، علت این تعطیلی بی سابقه را اختلاف نظرهای عمیق بین هیئت مدیریت بورس تهران اعلام داشت. اما در فردای این واقعه، سایت رسمی «بورس نیوز» علت آن را «ایجاد اشکال جدی در نرم افزار و سرور سامانه معاملاتی بورس اوراق بهادار تهران و عدم دسترسی اکثر کارگزاران به سیستم معاملات» اعلام نمود. اما در مجامع غیر رسمی کارگزاران بورس صحبت از سقوط ناگهانی قیمت ها و هجوم فروشنندگان سهام در ساعت اولیه معاملات بورس تهران به عنوان علت اصلی آن گزارش می شد.

در جوامع سرمایه داری نقش اصلی نوسانات قیمت ها در بازار بورس به پیش بینی و درجه اعتماد سرمایه داران به ثبات و یا بالا رفتن قیمت سهامشان بستگی دارد. اگر سهامداری پیش بینی احتمال ضرر کند و یا اعتمادش را به ثبات و سودآوری سهام خود در آینده ی نزدیک از دست بدهد، با ارائه سهام خود در بازار بورس در مقام یک فروشنده ظاهر می شود. و اگر تعداد بیشتری از یک نفر به همین نتیجه رسیده باشند، با بالا رفتن تعداد عرضه ی سهام، بنگاه مزبور با کاهش قیمت سهام خود روبرو می گردد. اما، زمانیکه اعتماد سرمایه داران از شرایط عمومی بازار از دست برود، با سقوط قیمت در «سراسر تخته اعلان» (Across the Board)، یعنی سهام تمامی بنگاه های مورد معامله در بورس روبرو می گردیم.

و این اتفاقی بود که بصورت بسیار مخربش در اولین ساعت معاملات صبح شنبه، بیست و یکم شهریور، در بورس تهران به وقوع پیوست. اما چه چیز باعث ریزش اعتماد سرمایه داران نسبت به آینده ی سرمایه گزاری در بنگاه های ایرانی شد که چنین عکس العملی را دامن زد؟ تنها واقعه ای که پس از آخرین روز معاملات هفته گذشته سهام می توانست چنین عدم اعتمادی را در سهام «سراسر تخته اعلان» بوجود آورد سخنان خامنه ای در نماز جمعه بود که دستور سرکوبی باز هم بیشتر مبارزات مردمی را صادر کرد. اما، لحن و حالت روحی وی در زمان اعلام چنین تهاجمی کاملاً نشان از هراس وی از عدم توفیق این فتوا و خطر فروپاشی حکومت جمهوری اسلامی داشت. به همین دلیل، سهامداران بنگاه های مورد معامله ی بورس نیز آینده ی خطرناکی را برای ارزش سهام خود پیش بینی کرده و در اولین مهلت معامله، یعنی اولین ساعت معامله در اولین روز پس از سخنرانی وی، برای فروش سهام خود و تبدیل نمودن آن به نقدینگی قابل تبدیل به ارز و طلا به بازار بورس سهام تهران یورش آوردند.

این اقدام سرمایه داران نشاندهنده ی آینده ای بسیار خطرناک برای کارگران ایران است و به بسته شدن و تعطیلی کارخانه ها و بنگاه ها شتابی به مراتب تیز تر از روز قبل از سخنرانی خامنه ای می دهد. چرا که با سقوط قیمت سهام، بنگاه ها مبلغ زیادی از نقدینگی خود را باید صرف ایجاد ثبات در قیمت سهامشان کنند که نتیجه مستقیم آن بحران نقدینگی هرچه بیشتر در این بنگاه ها خواهد بود. البته آنها می توانند بدون دخالت در بازار بورس اجازه سقوط قیمت های سهامشان را بدهند که در آن صورت هم با کاهش شدید ارزش سرمایه ی خود روبرو گشته و قدرت تهیه ی نقدینگی از سوی بانک ها را از دست می دهند که در میان مدت، همان تاثیر را خواهد داشت.

با در نظر گرفتن این واقعیت ها ما در اعلام هشدار خود به شما کارگران شاغل اصرار می ورزیم که در آینده ی نزدیک اوضاع اقتصادی کشور چیزی جز بیکاری و فقر و درماندگی برایتان نخواهد داشت، مگر آنکه هوشیارانه مراقب باشید تا تجهیزات و مواد اولیه ی و کالاهای تولیدی کارخانه و بنگاه هایتان از سوی سرمایه دار به حراج گذاشته نشود تا در صورت لزوم با تصرف کارخانه ها بتوانید به تولید ادامه داده، خود و خانواده و مردم ایران را از نتایج خطرناک و خانمانسوز اقدامات سرمایه داران حفظ کنید.

**پیش بسیوی تشکیل شوراهای کارخانه و شهری!**

**نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی!**

**انتشار از «ندای سرخ» وابسته به گروه «بسیوی انقلاب»**

**بتاریخ بیست و سوم شهریور 1388**

### فشار بر معلمان در آستانه اول مهر

روز سوم شهریور، درست در روزی که اعضای کانون صنفی معلمان با مهدی کروی دیندار داشتند، رسول بدافی، یکی از اعضای هیأت مدیره کانون، به اداره حراست آموزش و پرورش اسلامشهر فراخوانده شد. بعد از خروج از آنجا، دو خودروی پژو با هشت سرنشین جلوی او را گرفته و وی را سوار کردند. سپس به منزلش رفته و ضمن تفتیش منزل، تمامی دست نوشته ها و وسایل شخصی آقای بدافی و حتی بعضی از وسایل دختر و همسرش را نیز به همراه خود وی به مکان نامعلومی بردند.

تا روز جمعه بیستم شهریور، نه خانواده بدافی، نه اعضای کانون صنفی معلمان و نه وکلای آنان اطلاعی از محل نگهداری وی نداشتند. اما در آن روز از زندان اوین با خانواده او تماس گرفته شد و همسر رسول بدافی توانست پس از ۱۷ روز با وی ملاقات کند. در این دیدار مشخص شد که بدافی در بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می شود. همچنین وی گفته است که به تازگی از انفرادی به یک سلول چهارنفره منتقل شده است.

مسایل به وجود آمده برای معلمان و کانون صنفی، تنها مختص به بازداشت رسول بدافی نمی شود. در حوادث پس از انتخابات، علیرضا هاشمی، دبیرکل سازمان معلمان ایران، دستگیر و مدت ۲۵ روز در بازداشت بود. وی هم اکنون با قرار وثیقه آزاد شده و منتظر برپایی دادگاهش است. علیرضا هاشمی در سال ۸۶ نیز از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، اخلاف در نظم عمومی و تمرد از دستور پلیس، به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شده بود. وی پیش از این نیز به خاطر تجمع هزاران معلم در مقابل مجلس شورای اسلامی در ۲۲ اسفند سال ۸۵ به همراه دهها معلم دیگر دستگیر و تا ۱۱ فروردین ۸۶ در سلول های انفرادی زندان اوین نگهداری شدند.

همینطور روز چهارشنبه ۲۵ شهریور هاشم خاکسار، عضو کانون صنفی معلمان در مشهد، نیز در منزلش بازداشت شد. آقای رضایی از مسئولان سایت کانون صنفی معلمان، نیز به ستاد پیگیری تخلفات اداری فراخوانده شده است. باغانی می گوید، نگران این موضوع هستند که با رفتن او به این ستاد، وی را نیز دستگیر کنند.

علاوه بر این احضارها و بازداشت ها، با نزدیک شدن به اول مهرماه و بازگشایی مدارس، نگرانی های دیگری نیز برای معلمان وجود دارد. علی اکبر باغانی، دبیرکل کانون صنفی معلمان، برخی از این نگرانی ها را این گونه عنوان می کند: «با توجه به قضایای پس از انتخابات، من فکر می کنم، یک سری درگیری هایی در مدارس بوجود بیاید. چون بالاخره عده ای از دانش آموزان کشته شدند و خانواده های این افراد می توانند محرک این جریان در مدارس باشند و می توانند این جریان را در مدارس پیگیری کنند. بعد مشکلات خود آموزش و پرورش هم هست، مسایل مالی، مسایل آزمایشگاهی، کارگاهی، بهداشت و مسایلی که می تواند ناآرامی ها را دامن بزند، نمی کند».

**با ارسال گزارش از محل اشتغال زندگی و مبارزات خود به غنای هر چه بیشتر این نشریه بیافزایید**



## اخبار کوتاه

### اعتراض کارکنان زن کارخانه تن ماهی جاسک

تعدادی از زنان شاغل در کارخانه تن ماهی سازی پگاه جاسک که ماه هاست حقوق خود را نگرفته اند در مقابل فرمانداری تجمع کردند و خواستار دیدار با فرماندار جدید شدند . آنها تهدید کرده اند در صورتی که حقوق معوقه شان پرداخت نشود برای اعتراض به استانداری و حتی تهران هم خواهند رفت . در گفتگویی یکی از این زنان با دل پر دردی گفت : متأسفانه زندگی ما قربانی سیاست بازی های مسولین شده و آنها به جای اینکه به فکر مردم باشند دنبال پست و مقام و سیاست هستند .

### تجمع اعتراض آمیز تاکسیرانان تربت حیدریه فرجامی خونین بر جای گذاشت

تجمع و خیابان پیمایی اعتراض آمیز تاکسیرانان تربت حیدریه چنچال و نزاع خونین بر جای گذاشت و یک زن را با حالی وخیم روانه بیمارستان کرد . ماجرا ظهر دوشنبه هنگامی آغاز شد که افزون بر ۱۰۰ نفر راننده تاکسیران تربت حیدریه از خیابان فرمانداری به سمت میدان مرکزی رژه رفته و با بوق های ممتد اعتراض خود را ابراز داشتند. این اقدام که آلودگی صوتی و ناراحتی عمومی را به دنبال داشت در مواردی باعث درگیری رانندگان تاکسی با مردم و کسبه بازار شد. در یکی از این درگیریها که چندین نفر به جان هم افتادند یک زن به ضرب چاقو به شدت مجروح و با کمک مردم و مرکز فوریتهای پزشکی به بیمارستان منتقل شد. اقدام تاکسیرانان تربت حیدریه همچنین برای حدود دو ساعت باعث ترافیک سنگین و راه بندان در خیابانهای طالقانی ، فردوسی شمالی و جنوبی و میدان مرکزی تا چهار راه فرهنگ مرکز این شهرستان شد. اگرچه در نهایت با دخالت نیروی انتظامی ترافیک سبک تر شد اما برخی از خیابانهای ذکر شده توسط ماموران راهنمایی و رانندگی بطور موقت مسدود و تا لحظه ارسال این خبر همچنان بسته است. این چندمین تجمع اعتراض آمیز تاکسیرانان تربت حیدریه طی چند ماه اخیر است.

### درگیری و اعتراضات کارگران در پارس متال

روز سه شنبه 24 شهریور مجدداً اعتراضاتی از سوی کارگران شرکت پارس متال به مدیریت این شرکت صورت گرفت، این اعتراضات به دلیل عدم پرداخت حقوق و شایعه تعطیلی شرکت به وجود آمده است، این طور که از پرسنل شنیده شده امکان ورشکستگی و تعطیلی شرکت تا پایان امسال بسیار قوی است که همین مسئله و نگرانی پرسنل از بیکار شدن باعث شده است شدت اعتراضات در بین کارگران تا حد قابل توجهی پایین بیاید، البته به نظر تعدادی از پرسنل، این شایعه را خود مدیران به وجود آورده اند تا از شدت اعتراضات بکاهند .

### شایعه بسته شدن شرکت ارج

چندی پیش به علت مشکلات شدید در کارخانه ارج شایعه های زیادی به وجود آمد که تعدادی از این شایعات واقعیت هم داشت مانند تعدیل و اخراج نیرو که هنوز هم وجود دارد، ولی اخیراً شایعه نگران کننده ای به میان آمده و آن هم اخراج کلیه پرسنل و تعطیلی شرکت است طی سووالاتی که از نگهبانان این شرکت شد ، آنها هم این شایعه را تایید کردند و میگفتند که امکان به واقعیت رسیدن این شایعه بسیار زیاد است .

### اعتراض خیابانی زنان در تبریز به عدم واگذاری اشتراک گاز

جمعی از زنان ساکن محله بهشتی تبریز در اعتراض به عدم واگذاری اشتراک گاز در مرکز این شهر اقدام به تجمع اعتراضی کردند. بنا گزارش رسیده از تبریز زنان معترض که تعدادشان بالغ بر صد تن بود نسبت به بی توجهی مسئولین به درخواست خانواده های ساکن محله بهشتی در طی هفت سال گذشته و عدم واگذاری اشتراک گاز شهری به این محله تبریز معترض بودند. زنان شرکت کننده در این تجمع اعتراضی از ساعت ۱۰ روز دوشنبه ۲۳ شهریور ۸۸ با نشستن در میدان مقابل ساختمان شهرداری تبریز (میدان ساعت) اقدام به مسدود کردن مسیرهای اصلی شهر تبریز کردند. بدنبال این تجمع که تا ساعت ۱۱:۲۰ ادامه داشت تمامی مسیرهای اصلی تبریز بسته شده و جمعیت عظیمی از مردم در مسیرهای منتهی به مرکز شهر منتظر وسیله نقلیه بودند. از ابتدای این تجمع ماموران امنیتی و انتظامی با فریاد زدن بر سر زنان معترض سعی در منصرف کردن آنها از تجمع اعتراضیشان را داشتند اما زنان شرکت کننده با چشمانی گریان همچنان بر ادامه اعتراضشان مصمم بودند. مامورین نهایتاً پس از یک و نیم ساعت توانستند زنان معترض را در مقابل ساختمان شهرداری جمع کرده و سعی در بازگشایی مسیرها کنند. خیابانهای اصلی شهر تبریز تا ساعت ۱۲ همچنان بسته است و ترافیک سنگینی بر این مسیرها حکمفرماست. از سرنوشت زنان شرکت کننده در این تجمع اعتراضی اطلاعی در دست نیست و بدنبال این تجمع نیروهای انتظامی باتوم بدست در مسیرهای منتهی به مرکز شهر تبریز مستقر شده و سعی در بازگشایی مسیرها دارند.

### اعتصاب کارکنان شرکت اتوبوسرانی خرمشهر

روزشنبه ۲۱ شهریور بیش از ۲۰۰ نفر از کارکنان شرکت اتوبوسرانی خرمشهر دست از کار کشیدند و مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند . کارکنان شرکت اتوبوسرانی خرمشهر در تجمع خود در مقابل شهرداری ، خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند . یکی از کارگران در این رابطه گفت ما در ماه مبارک رمضان ، زندگی را به سختی می گذرانیم و به شدت تحت فشارهای معیشتی هستیم . از چهار ماه پیش حقوق و مزایای ما پرداخت نشده است. براساس این گزارش روز شنبه تمام خطوط اتوبوسرانی شهر خرمشهر از فعالیت افتاد.

### کارگران ایران خودروبا اعتراض به کشتار وشکنجه وسرکوب مردم زحمتکش ایران سالروز مرگ همکار خود راگرامی میدارند

#### کارگران ایران خودرو

با اعتراض به کشتار وشکنجه وسرکوب مردم زحمتکش ایران سالروز مرگ همکار خود پیمان رضی لو وتمام جانبختگان حوادث کار و یاد شهیدان راه آزادی زحمتکشان را گرامی می دارند !

#### دوستان و همکاران گرامی

روز بیست دوم شهریورماه مصادف با سالروز مرگ همکار عزیز مان پیمان رضی لو می باشد.در چنین روزی در سال 1382 پیمان در شیفت بعد از ظهر در اثر فشار کار زیاد جان خود را از دست داد.ما یاد پیمان و تمام کارگرانی که در اثر محیط های نا امن کاری و یاد تمام شهیدان راه آزادی که جان خود را نثار آزادی ما کارگران کردند را گرامی می داریم و اعتراض خودمان را بر علیه سیاستهای ضدردمی دولت برعلیه مردم که باهمراه با کشتار و سرکوب وشکنجه است اعلام می داریم

#### دوستان وهمکاران گرامی

۶ سال از مرگ همکار عزیزمان پیمان رضی لو می گذرد پیمان رضی لو کارگر خط مونتاژ پژو بود که شش سال پیش در چنین روزی جان خود را در اثر فشار کار زیاد از دست داد

#### دوستان کارگر

امروز درحالی یاد عزیزان مان را گرامی می داریم علاوه بر دهها کشته از کارگران در اثر نا امن بودن محیط کاردهها نفر نیز از هموطن مان در طی

## ندای سرخ

حوادث اخیر جان خود را از دست داده اند و دهها نفر دستگیر و در زندانها بسر می برند. امروز وظیفه ما بس سنگینتر و سخت تر شده است ما کارگران قربانیان اول صف سرمایه داران چاره ای جز مبارزه برای بقا و برای ایجاد یک زندگی بهتر نداریم  
ما امروز چاره ای جز مبارزه برای آزادی ورهایی از سرکوب و اختناق نداریم  
ما و مردم امروز دریافته ایم دیگر بعضی از خواسته های ما نه تنها دادنی نیست بلکه برای بدست آوردن آن باید مبارزه کرد امروز در این سنگر مبارزه ما تنها نیستیم بلکه همراه ما مردم زحمتکش و جوانان آگاهی قرار دارند که چاره ای جز مبارزه برای ایجاد یک دنیای بهتر ندارند  
دولت و مجلس حامی سرمایه داران در مقابل ما ایستاده اند آنها دوباره یکسری قوانین ضدکارگری را بر ما تحمیل می کنند اخراجهای بی رویه ادامه دارد از ایجاد تشکل جلوگیری می کنند قراردادهای موقت همچنان باقی مانده شرکتهای پیمانکاری به کار خود ادامه می دهند. کارگران آنها به صورت برده خرید و فروش می شوند . مزایای دریافتیمان پایین آمده است تورم روز بروز سرسام آورتر می شود.  
در عوض دولت و مجلس جواب ما را با کشتار و زندان و شکنجه می دهند

### دوستان کارگر

برای رسیدن به خواسته ها یمان باید تلاش کرد ما برای بهتر کردن زندگی خود نباید دست از تلاش بر داریم مبارزه و اتحاد راه رسیدن ما به خواسته یمان می باشد ما همچنان خواهان شرایط محیط کاری بهتر و ساعت کاری مناسبتر هستیم ما می دانیم تا زمانی که سرمایه داران بر ما حکومت می کنند و کار مزدوری وجود دارد شرکتهای پیمانکاری نیز وجود خواهند داشت تا زمانی که قراردادهای موقت لغو نشده اند حرف زدن از محیط کار مناسب و امنیت شغلی یک شوخی بیش نیست و برای آن ما خواهان انحلال شرکتهای پیمانکاری هستیم ما خواهان لغو قراردادهای موقت و استخدام تمام همکاران خود در شرکت می باشیم ما خواهان افزایش حقوق هایمان متناسب با تورم می باشیم ما کار کردن را حق مسلم هر کارگر بیکار می دانیم اما بیکار سازی و اخراج کارگران شرکتهای پیمانکاری را محکوم و از خواستههای آنان پشتیبانی می کنیم. ما برای سلامتی همکاران خود و برای ایجاد یک محیط امن خواهان آزادی تمام تشکل های کارگری در شرکت می باشیم.

ما یاد عزیزان مان را گرامی می داریم که قربانی سرمایه داران می شوند و جان خود را از دست داده اند  
برای همین مناسبت روز سه شنبه ۲۴ شهریور ۸۸ ضمن گرامیداشت یاد همکار عزیزمان پیمان رضی لو و تمام جان باختگان شرایط نا امن محیط کار و یاد شهیدان راه آزادی زحمتکشان در سالنهای غذا خوری گرد می آئیم  
و ضمن اعلام همبستگی با جنبش انقلابی مردم ایران اعتراض خودمان را بر علیه سیاستهای ضد مردمی دولت بر علیه مردم و کشتار و سرکوب و شکنجه اعلام می داریم و خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی و خواهان دستگیری و محاکمه تمام عاملین سرکوب و کشتار مردم ایران در یک دادگاه مردمی و با حضور وکلای انقلابی و مردمی هستیم  
گرامی باد یاد پیمان و تمام کارگران جان باختة شرایط نا امن کاری  
**گرامی باد تمام شهیدان راه آزادی زحمتکشان/زنده باد جنبش انقلابی مردم ایران /**  
**جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو**

### آمادگی حراست ایران خودرو برای مقابله با سالگرد مرگ ژیمان رضی لو

جلسه هماهنگی کارگروه های تخصصی حراست با حضور علی مقدم ،مدیر حراست گروه صنعتی ایران خودرو برگزار شد . پس از برگزاری سلسله جلسات هدفمند و منظم کارگروه های تخصصی با رویکردها و مولفه های حراستی، جلسه ای با حضور مدیر حراست در جمع صمیمی کارشناسان این مدیریت برگزار شد . در ابتدای جلسه گزارشی از عملکرد و نتایج حاصل از مطالعات و فعالیت های این کارگروه ها ارائه و به تبیین نقش موثر این گونه بررسی ها و مطالعات کارشناسی حراست در راستای حفظ و صیانت از دارایی های مادی و معنوی شرکت پرداخته شد . در ادامه مقدم ضمن تاکید بر ضرورت اهتمام عملی و جدیت بیش از پیش اعضای کارگروه ها در تحقق اهداف عالی شرکت، انتظارات خود را از این کارگروه ها در شرایط کنونی تشریح کرد . وی با اشاره به ضرورت تقویت اقتدار حفاظت فیزیکی بر دور شدن از فضای پلیسی تاکید کرد . و افزود: با توجه به این که پیش بینی بحران ها و پیشگیری از تخلف در اولویت های کاری ما قرار دارد، نیاز به فرهنگ سازی و تغییر نگرش پرسنل گروه نسبت به حراست بیش از پیش احساس می شود  
در پایان، مدیر حراست گروه به سوالات تخصصی و راهبردی کارشناسان پاسخ داده و راهکارهای لازم جهت پیشبرد برنامه های کمیته را ارائه کرد.  
حراست شرکت ایران خودرو با تشکیل کارگروه های امنیتی آمادگی خود را برای مقابله با هرگونه مراسم جهت گرامیداشت و برگزاری یاد پیمان رضی لو کارگر خط مونتاز که در اثر فشار کار چند سال پیش جان خود را از دست داد اعلام کرد. حراست شرکت ضمن هشدار به تمام اعضای خود با تشکیل کلاسهای مخصوص پرسنل حراست را آموزش داد که چگونه با هر گونه رویدادی مقابله کنند.  
کارگران ایران خودرو اعلام کرده اند که یاد پیمان رضی لو را گرامی خواهند داشت منبع: خودروکار

### تجمع اعتراضی کارگران کارخانجات مخابراتی شیراز

بنا به خبر دریافتی کارگران کارخانجات مخابراتی راه دور شیراز در مقابل این کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.  
کارگران علت اعتراض خود را پرداخت نشدن 8 ماه حقوق و همچنین مطالبات سال 86 عنوان کردند.  
آنها گفتند که چنانچه به خواستههایشان توجه نشود، به تهران رفته و در مقابل دفتر احمدنژاد تجمع خواهند کرد.

### فریاد شبانه مردم مناطق مختلف تهران: اعتصاب ، اعتصاب

بنا بر خبر رسیده اخیرا مردم در اعتراضات شبانه خویش خواستار " اعتصاب " تمامی اقشار مردم شده اند و شب گذشته (شنبه شب 21 شهریور) در بسیاری از محلات تهران مردم از روی پشت بام فریاد "اعتصاب اعتصاب" سر دادند .اعتصاب، اعتصاب، نذاتی است که اکنون در تهران، شبها بام به بام فریاد می شود و روزها مردم با هم درباره آن صحبت می کنند. شاید بخشی از تعلل حاکمیت برای بازداشت سران مخالفان ترس از عملی شدن این فریادها باشد.

### شیوه نیرنگ آمیز کارفرمای پالایشگاه بندر عباس برای اخراج کارگران

بنا بر خبرهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران کارفرمای پالایشگاه در دست احداث بندر عباس به شیوه ای نیرنگ آمیز تلاش دارد تا 86 نفر از کارگران این پروژه را از کار اخراج کند.  
بنا بر این گزارش روز شنبه چهاردهم شهریور ماه کارفرمای پالایشگاه بندر عباس اوراقی را بدست 86 نفر از کارگران داد که در آن این کارگران علت قطع رابطه کاری خود را با پالایشگاه را استعفا عنوان کرده اند و بر این اساس کارفرما از کارگران خواسته است به قسمتهای مختلف کارگاه جهت آوردن برگ تسویه حساب مراجعه کنند.  
این در حالی است که این کارگران چهار ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و کارفرما در حال حاضر و علیرغم اتخاذ این شیوه برای اخراج کارگران به آنان اعلام کرده است پولی برای پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران ندارد.  
بنا بر اظهار این کارگران آنان در گرمای شدید تابستان در این پالایشگاه مشغول به کار بوده اند و اغلب آنان به علت شدت کار و گرما بارها در حین کار از هوش رفته اند اما با بهتر شدن هوا و نزدیک شدن پایان کارهای کشاورزی و هجوم کارگران بیکار از نقاط مختلف به بندر عباس، کارفرما در تلاش است با اخراج این کارگران، کارگران دیگری را با دستمزدهای بسیار پایین به استخدام در آورد و در این راستا طی روزهای گذشته اقدام به



استخدام 36 نفر کارگر جدید با دستمزدهای بسیار پایین کرده است.

بنا بر این گزارش این کارگران تا امروز در مقابل کارفرما ایستادگی کرده اند و کارفرما نیز متقابلا کارگران را تهدید به استفاده از نیروهای انتظامی و امنیتی جهت اخراج کارگران از محیط کار کرده است. اما کارگران به این تهدیدات کارفرما وقعی ننهادند و خواهان عمل کارفرما به قراردادی هستند که با کارگران بسته است.

این کارگران بمدت یکسال با کارفرما برای کار در پالایشگاه بندر عباس قرارداد بسته اند و کارفرما تلاش دارد با تحمیل استعفا به کارگران، آنان را از کار خود اخراج و کارگران جدیدی را با دستمزدهای بسیار پایین تر به استخدام در بیاورد.

لازم به یاد آوری است که در این پالایشگاه هم اکنون 1600 نفر کارگر مشغول کار هستند و کارگران معترض طی روزهای گذشته برای ایستادگی در مقابل کارفرما اقدام به انتخاب نماینده کرده و مصمم هستند در مقابل اخراج خود ایستادگی کنند. منبع: اتحادیه آزاد کارگران ایران

### مرگ یکی از کارگران اخراجی چینی کرد کرمانشاه

با خبر شدیم که در تاریخ 20/4/88، کارگری به نام شمس اله مرادی بر اثر سکته قلبی در گذشت. او یکی از کارگران رسمی چینی کرد کرمانشاه بود که 17 سال سابقه کار در این شرکت داشت؛ اما در نوروز امسال، همراه 30 نفر دیگر از همکارانش اخراج شد. طی این چهار ماه، به نامبرده حقوق و یا بیمه بیکاری پرداخت نشده بود. ما جان باختن این کارگر شریف و زحمتکش را به خانواده و همکارانش تسلیت می گوئیم. منبع: کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

### انتقال پژمان رحیمی و محمد اسماعیل وندی به بند ۶ زندان عمومی کارون اهواز

روز چهارشنبه هفته گذشته پژمان رحیمی (عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری) و محمد اسماعیل وندی که در روز 26 مرداد ماه گذشته در محل سکونت خود در شهر اهواز دستگیر شده اند، از بازداشتگاه اطلاعات این شهر به بند 6 زندان عمومی کارون اهواز منتقل شدند. پژمان رحیمی در طول این مدت تنها 3 بار و هر بار مدت 1 تا 2 دقیقه به صورت تلفنی با خانواده خود صحبت نموده و از داشتن هر گونه ملاقات محروم بوده است. اطلاعات اهواز طی تماس تلفنی با خانواده نامبرده اتهام وی را به صورت خیلی کلی و مبهم حمایت از کارگران شوش و همکاری با ضد انقلاب مطرح کرده است. علاوه بر این تعدادی از اعضای انجمن فرهنگی هنری سایه در اهواز که رحیمی و اسماعیل وندی از فعالان و مسئولین آن بودند طی این مدت به ستاد خبری اطلاعات احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند و به آن ها اعلام شد که این انجمن غیر قانونی است. این در حالی است که انجمن نامبرده يك ان جی او محسوب شده و دارای مجوز رسمی از سوی فرمانداری شهر می باشد و تا کنون هیچ اخطار کتبی از سوی این ارگان رسمی یعنی فرمانداری دریافت ننموده است.

تا کنون مورد اتهامی رحیمی و اسماعیل وندی مشخص نگردیده و با توجه به روال متداول در دادگاه انقلاب اسلامی بایستی توسط شعبه بازپرسی دادگاه نامبرده از آنان بازجویی دیگری به عمل آید. منبع: کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

### اعتصابات کارگران ابعاد جدیدی یافته است

در طول هفته های اخیر کارگران واگن سازی پارس اراک، کارخانه قند کامیاب خمینی شهر، چینی البرز، نساجی سیمین اصفهان، صنایع مخابراتی راه دور، کشت و صنعت هفت تپه، با برپائی اعتصابات، راهپیمائی ها و تجمعات، اعتراض خود را نسبت به این وضعیت اسف بار ابراز داشته و خواستار تحقق مطالبات و بهبود شرایط معیشتی خود شده اند.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه که در شرایط معیشتی و کاری دشواری به سر می برند و در طول چند سال اخیر با مسائل و مشکلات متعددی رو به رو بوده اند، به رغم تمام فشارهای مدیریت و ارگان های سرکوب رژیم، همواره با پیگیری و استواری به مبارزه برای تحقق مطالبات خود ادامه داده و به دفعات رژیم را به عقب نشینی واداشته اند. این در حالی است که دستگاه پلیسی و امنیتی رژیم برای مقابله با موج اعتراضات کارگران، فعالان کارگری هفت تپه را زیر شدیدترین فشار و سرکوب قرار داده است. هفته گذشته نیز سه تن از فعالان سندیکای کشت و صنعت هفت تپه طی احضاریه ای به اداره اطلاعات شهرستان شوش فراخوانده شدند. با این همه همان گونه که اعتصاب امروز نشان داد، هیچیک از این اقدامات سرکوبگرانه نتوانسته و نمی تواند کارگران را از ادامه تلاش و مبارزه برای تحقق مطالباتشان باز دارد.

### تجمع اعتراضی کارگران کارخانجات مخابراتی شیراز

بنا به خبر دریافتی کارگران کارخانجات مخابراتی راه دور شیراز در مقابل این کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند . کارگران علت اعتراض خود را پرداخت نشدن 8 ماه حقوق و همچنین مطالبات سال 86 عنوان کردند . آنها گفتند که چنانچه به خواسته هایشان توجه نشود، به تهران رفته و در مقابل دفتر احمدنژاد تجمع خواهند کرد.

### تعطیل شدن یک هفته ای سلف سرویس کوی دانشگاه

سلف سرویس کوی دانشگاه به دانشجویان اجازه رزرو غذا برای روزهای بعد از عید فطر را نداد .

این هفته مسئولان سلف سرویس کوی تنها اجازه دادند تا روز یکشنبه هفته آینده که احتمالا عید فطر است دانشجویان اقدام به رزرو غذا کنندو برای مابقی روزهای هفته اجازه رزرو ندادند .

اکثریت دانشجویان به این اقدام کوی معترض هستند و با سیاسی خواندن این کار دانشگاه ؛ آن را در جهت همراهی با دولت کودتا و خلوت کردن محیط دانشگاه همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید می دانند .

مسئولان کوی و کودتاگران که از بازگشایی دانشگاهها در سال تحصیلی جدید و احتمال اعتراضات مجدد در محیط دانشگاه به شدت وحشت زده شده اند سعی می کنند از راههای گوناگون شرایط را به نحوی مهیا کنند که در زمان بازگشایی رسمی دانشگاهها در اول مهر تعداد زیادی از دانشجویان در محیط دانشگاه حاضر نباشند؛ تا بتوانند راحت تر دانشگاه را کنترل کنند .

از اینرو با تعطیل کردن سلف سرویس کوی از روز یکشنبه آینده عملا دانشجویان را ترغیب به مراجعت به خانه به مدت یک هفته می کنند.

### محدودیت های جدید در دانشگاه صنعتی شریف

گزارش های دریافتی از دانشگاه صنعتی شریف حاکی از این است که در سال جدید تحصیلی سایت ها و خوابگاه های این دانشگاه از نظر ارائه خدمات اینترنتی با محدودیت های بیسابقه ای روبرو خواهند شد. دانشگاه صنعتی شریف با توجه به اینکه مهمترین و نخستین دانشگاه فنی مهندسی کشور از نظر تراز علمی به شمار می رود از نظر ارائه خدمات فنی و شبکه ای و انفورماتیک دارای بالاترین سرانه در بین مراکز و نهادهای علمی پژوهشی و دانشگاهی کشور بوده است. اما در جریان وقایع پس از انتخابات با توجه به حجم بالای خبر رسانی و فعالیت های پوششی شبکه ای در فضای مجازی رسانه ای کشور از طریق دانشجویان این دانشگاه، سران حکومت با نظر مستقیم تیم های امنیتی تصمیم به اجرای محدودیت های شدیدی بر کارسایت ها و شبکه خوابگاه های این دانشگاه گرفته اند. این اعمال محدودیت ها با کاهش ساعت حضور دانشجویان در باشگاه های مجازی و سایت های دانشگاه صنعتی شریف به 4 عصر آغاز شده است. مدیریت انفورماتیک دانشگاه صنعتی شریف تصمیم دارد این طرح آزمایشی را که در تابستان به طور کامل اجرا شد در سال تحصیلی جدید عملی و اجرایی کند. با توجه به توان و تخصص دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در زمینه کارهای اینترنتی و فضای مجازی رسانه ای اعمال محدودیت های بیشتتری نظیر کاهش سرعت اینترنت در این دانشگاه، اعمال برنامه فیلترینگ قوی شبکه ای در خوابگاه ها و برنامه کنترل مرکزی سرورها در سایت های دانشگاه و خوابگاه های دانشگاه، دانشجویان را تحت فشار بیشتری قرار دهند. از سوی دیگر به دانشجویان این دانشگاه هشدار داده اند در صورت بروز هرگونه رفتار اعتراض آمیز ویا تحرک سیاسی و فعالیت در شبکه های مجازی مغایر با دولت و حکومت با پرونده سازی از خروج آنها از کشور در آینده جلوگیری می شود. ممنوع الخروج کردن دانشجویان دانشگاه صنعتی

شریف از آنجا مهم تلقی می شود که بیشترین دانشجویانی که طی سال های گذشته به عنوان نخبگان کشوری اپلاک کرده اند و ایران را به مقصد کشورهای اروپایی و آمریکایی و استرالیا ترک کرده اند در این دانشگاه می باشند.

### احضار دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر به دادگاه انقلاب

به گزارش خبرنگار امیرکبیر هفته گذشته دو تن از فعالین دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر به حراست دانشگاه احضار و برگه ی احضاریه دادگاه انقلاب به ایشان ابلاغ گردید. در این احضاریه از دانشجویان خواسته شده است تا جهت ادای پاره ای از توضیحات به شعبه ۳ بازپرسی ویژه امنیت دادگاه انقلاب مراجعه نمایند. پس از مراجعه این دانشجویان به دادگاه انقلاب به آنها گفته شده پرونده ی آنها در دادگاه انقلاب نمی باشد و از آنها خواسته شده است که هر چه سریعتر خود را به کمیته پیگیری وزارت اطلاعات معرفی نمایند. به این دانشجویان گفته شده است که به پرونده آنها در کمیته پیگیری وزارت اطلاعات رسیدگی خواهد شد.

### احتمال تعطیلی شنبه به دلایل سیاسی امنیتی

شنیده های حاکی از این است که دولت احمدی نژاد برای مهار و سرکوب اعتراض های مردمی روز جمعه به احتمال بسیار زیاد روز شنبه را تعطیل خواهد کرد. قرار گرفتن روز عید فطر در یکشنبه و روزهای آخر شهریور یعنی روزهای پایانی تعطیلات تابستانی به طور طبیعی مسافرت های زیادی را در کشور رقم می زند. اما در پیش بودن روز قدس و احتمال شکل گیری اعتراض های بزرگ مردمی در آخرین جمعه ماه رمضان انگیزه های سیاسی زیادی برای سران حکومت به وجود آورده است تا روز شنبه را تعطیل کنند. خبرهای زیادی مبنی بر تعطیلی احتمالی روز شنبه در محافل دولتی و غیر دولتی شکل گرفته است. سران حکومت تصمیم دارند با توجه به تعطیلات آخر هفته یعنی روزهای پنج شنبه و جمعه با تعطیل کردن روز شنبه عملاً چهار روز تعطیلی را در هفته به وجود بیاورند تا تهران از جمعیت خالی شود. این سیاست فریبکارانه پیشتر نیز در آستانه روز 18 تیر و برای مهار اعتراضات گسترده ی مردمی به بهانه ی آلودگی هوای تهران صورت گرفت. که مهمترین پیامد روز 18 تیر بازداشت افرادی زیادی مانند محسن روح الامینی بود. وی در این روز بازداشت و در روزهای بعد به شهادت رسید. به هر حال تعطیلی روز شنبه با توجه به روزهای پایانی تعطیلات تابستانی و عید فطر محتمل است. در روز عید فطر در نقاط مختلف کشور مراسم های خاصی صورت می گیرد و این روز به تنهایی پتانسیل فراهم آوردن مسافرت برای برخی پایتخت نشینان برای مراجعه به شهرها و مناطق بومی خود جهت برگزاری آئین های مرسوم دارد. اما این بار انگیزه های سیاسی سران حکومت نیز به عنوان مشوقی در کنار موارد ذکر شده برای تعطیلی و خلوت کردن پایتخت در کار است. بنابراین توصیه می شود مردم گول این عوام فریبی ها را نخورند و میدان را خالی نکنند.

### تجمع مادران عزادار و زندانیان سیاسی و مردم در میدان آب نمای پارک لاله

بنابه گزارشات رسیده از پارک لاله تهران، مادران عزادار، مادران زندانیان سیاسی، زنان و دختران جوان و تعداد زیادی از مردم در پارک لاله تهران اقدام به تجمع اعتراضی نمودند.

اعتراضات همانگونه که اعلام شده بود از ساعت 18:00 آغاز شد. در این اعتراضات مادران عزادار، زندانیان سیاسی دستگیرشدگان قیام، ویکی از خانمها که کارگردان و فیلم ساز و همچنین تعداد زیادی از زنان و دختران جوان و مردم در این حرکت اعتراضی شرکت دارند. در ادامه اعتراضات تعداد بیشتری از مردم به مادران پیوستند آنها از ساعت 18:00 حرکت اعتراضی خود را دور فلکه آب نمای پارک لاله آغاز کردند. و چند بار حول این میدان بصورت دستجمعی حرکت کردند. علیرغم تهدیدات نیروی سرکوبگر مادران تا ساعت 19:00 به اعتراضات خود را ادامه دادند. تعداد زیادی از مردم که زنان و مردان بودند و قصد پیوستن به مادران را داشتند با ممانعت نیروی انتظامی مواجه شدند. موتورهای نیروهای سرکوبگر ولی فقیه در اطراف مادران مانور می دادند. در اعتراضات امروز بیش از 100 نفر از مادران شرکت داشتند.

مادران با اعتراضات خود سعی دارند توجه مردم ایران و جهانیان نسبت به ظلمی که بر آنها روا داشته شده معطوف بدارند. آنهایی که عزیزانشان به گلوله بسته شدند و یا در زیر شکنجه های سبعانه جانباختن و یا اینکه هنوز صدها نفر از عزیزانشان در زندانها بسر می برند و تحت شکنجه های قرون وسطانی قرار دارند.

از طرفی دیگر نیروهای سرکوبگر مادران را تهدید می کردند که متفرق شوند و در صورت ادامه دادن به اعتراضات خود آنها را دستگیر خواهند کرد. علاوه بر حضور یک خودروی نیروهای سرکوبگر و تعدادی موتور سوار بسیجی تعداد دیگر از نیروهای انتظامی از کلاتری 148 به آن منطقه گسیل شدند. مادران را در احاطه خود داشتند. مادران نسبت به تهدیدات آنها توجهی نمی کردند و به اعتراضات خود ادامه می دادند.

### تداوم اقدامات خشونت آمیز نیروهای انتظامی در مناطق کردنشین

در تداوم اقدامات خشونت آمیز نیروهای انتظامی در مناطق مرزی دست کم چهار شهروند کشته و زخمی شدند.

به گزارش کمیته کردستان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز دوشنبه مورخ 16 شهریورماه نیروی انتظامی در منطقه مرزی "کانی زرد" از توابع شهر سردشت بر روی تعدادی از کاسبکاران کرد آتش گشود که در طی این حادثه شهروندی به نام ادریس شیخ پور ساکن روستای کانی زرد کشته شد.

در حادثه ای دیگر در تاریخ 17 شهریورماه در اقدام خودسرانه نیروهای انتظامی مستقر در منطقه شمشیر از توابع پاره و آتش گشودن به سوی یک اتومبیل شخصی، شهروندی به نام کیوان حسینی از اهالی شمشیر به قتل رسید.

در آخرین حادثه در منطقه مرزی "حاجی بگ" از توابع شهرستان خوی، نیروهای هنگ مرزی ایران و مرزبانان ترکیه مشترکاً به سوی حیوانات و اتومبیل های مشکوک به حمل کالای قاچاق آتش گشودند که در طی این حادثه چند شهروند زخمی و بازداشت و تعداد زیادی از حیوانات بارکش کشته شدند.

### احضار دانشجویان دانشگاه قزوین به وزارت اطلاعات ادامه دارد

بنا به گزارش های دریافتی از دانشگاه های قزوین طی هفته گذشته بیش از 15 تن از دانشجویان دانشگاه های قزوین ( بین المللی و آزاد ) به وزارت اطلاعات احضار شده اند و مورد بازجویی قرار گرفته اند. همچنین گزارش ها حاکی است تعدادی دیگر از دانشجویان طی هفته جاری احضار شده اند و باید طی روزهای آتی به ستاد خبری وزارت اطلاعات واقع در میدان ولی عصر قزوین مراجعه کنند.

از دانشجویان در این جلسات در مورد حوادث بعد از انتخابات و اعتراض های دانشجویی که در این دو دانشگاه صورت گرفت سوال شده و تعدادی از دانشجویان را نیز تهدید کرده اند. همه این بازجویی ها با چشم بند صورت گرفته و دانشجویان نتوانستند بازجوی خود را ببینند.

تمامی این احضار ها به صورت تلفنی و با زنگ زدن به خانه دانشجویان و ایجاد دلهره در بین خانواده های این دانشجویان صورت گرفته است. گفتنی است در جریان حوادث بعد از انتخابات 19 دانشجوی دانشگاه های قزوین به همراه 4 استاد دانشگاه دستگیر شده بودند.

### گزارشی از محاکمه ۹ دانشجو در شهرستان بابل

روز چهارشنبه 18 شهریور 9 دانشجو در شهرستان بابل در ساعت 9 صبح در دادگاه محاکمه شدند. متهمین این پرونده از قرار زیر می باشند: محمد اسماعیل زاده، ایمان صدیقی، علی تقی پور، حمیدرضا جهان تیغ، محسن برزگر، حسام باقری، سعید حسین پور، نیما نحوی و سیاوش سلیمی نژاد.

این دادگاه قرار بود در دادگاه انقلاب و توسط قاضی طالبی برگزار شود که قبل از شروع دادگاه ناگهان قاضی پرونده تغییر کرد و رییس دادگستری شهرستان بابل خود قضاوت پرونده را به عهده گرفت که در نتیجه آن، دانشجویان را از دادگاه انقلاب به دفتر رییس دادگستری شهرستان بابل منتقل کردند.

در کیفرخواست جرم متهمین اقدام علیه نظام از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی و تحریک مردم به شورش و اغتشاش و تبلیغ علیه نظام خواند. در ادامه محمد اسماعیل زاده را متهم به اقدام علیه نظام و توهین به رهبری از طریق مقاله ای که در ویلاگش نوشته بود کرد. نماینده دادستان در

انتهای کیفرخواست از قاضی درخواست کرد که این دانشجویان بر طبق قانون مجازات شوند . تمامی متهمان خود را از اتهام میرا دانسته و فعالیت های خود را قانونی اعلام کرده و مسئولان نظام و وزارت اطلاعات را مجرم اعلام نمودند که آزادی های مصرح در قانون اساسی را از مردم دریغ کرده اند. در پایان جلسه قاضی مربوطه از دانشجویان خواست آخرین دفاع خود را بنویسند و ختم جلسه را اعلام کرد .

### شعار اعتراضات شبانه دانشجویان کوی: مرگ بر خامنه ای قاتل

دانشجویان ساکن در کوی دانشگاه، جمعه شب ۲۰ شهریور ماه به مانند گذشته همراه با مردم آزادی خواه تهران فریادهای ضد حکومتی سر دادند. با شروع امتحانات معوقه تعداد دانشجویان به اندازه قبل از تعطیلات رسیده و همین امر موجب تشدید اعتراضات شبانه شده است به طوری که جمعه شب تعداد کسانی که به همراهم مردم مناطق مجاور کوی بر ضد سردمداران حکومت دیکتاتوری شعار می دادند نسبت به شب های قبل قابل مقایسه نبود. دانشجویان در شعارهای خود خامنه ای و رئیس جمهور منصوب او احمدی نژاد را به شدت مورد حمله قرار دادند و شعارهای تندی علیه آنان سر دادند. دانشجویان شعارهایی مانند "مرگ بر خامنه ای قاتل"؛ "خونی که در رگ ماست هدیه به ملت ماست" و "دولت کودتا استعفا استعفا" سر می دادند. اعتراضات شبانه دانشجویان از ساعت ۲۲ تا ۲۲:۳۰ به مدت نیم ساعت ادامه داشت.

### جوانان با شعار مرگ بر دیکتاتور شبهای قدر را پشت سر میگذارند

سه شنبه شب ۱۸ شهریور سیل عظیمی از مردم از جاهای مختلف تهران به امام زاده صالح آمده بودند ، و تا ۴ بامداد ترافیک بود . موتور سواران بسیجی و لباس شخصی ها خیلی مضطرب و هراسان گشت میزدند . در ساعت ۲۲ چند نفر در جلوی امام زاده صالح تجریش پس از فریاد الله اکبر که یک دختر سر داد ، شروع به دادن شعار مرگ بر دیکتاتور کردند . لباس شخصی ها با قیافه های کاملاً مشخص بین مردم حضور داشتند، صدای الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور ساعت ۱ بامداد به اوج رسید ماشین ها بوق می زدند و فلاشر های خود را روشن کرده بودند . بسیجی ها همیشه دوماشین را شکستند. چند مورد هم از اسپری اشک آور استفاده کردند. ساعت یک و نیم بامداد به دو پسری که شعار میدادند حمله شد ولی ازدیاد جمعیت و دخالت مردم مانع دستگیری آن دو نفر شد. ساعت ۲ بامداد در داخل حرم هم درگیری ایجاد شد و چند نفر در حین دعا خواندن و سر گرفتن قرآن فریاد الله اکبر سر دادند .

### گزارشی از تجمع خانواده های بازداشت شدگان مقابل زندان اوین و دادگاه انقلاب

خانواده های دستگیر شده گان : وعده های پوشال ندهید ، حنای شما نزد ما رنگی ندارد ، عزیزانمان را آزاد کنید روز چهارشنبه قریب به ۸۰ نفر از خانواده های بازداشت شدگان علیرغم اینکه شب گذشته مراسم احیا برپا کرده و شب زنده داری کرده بودند ، صبح با شروع ساعت کار اداری در مقابل دادگاه انقلاب تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. پدران و مادران که غالباً روز ه بودند در گرمای تابستان مستمرا به قسمت های مختلف دادگاه مراجعه میکردند تا خبری از وضعیت عزیزدستگیر شده شان به دست آورند اما کارکنان به بهانه اینکه شب احیا بوده است دیرتر از زمان معمول سر کار آمده و پاسخ هیچکدام از پیگیری های خانواده ها را نمیدادند و بعضاً هم برای دست به سر کردن خانواده ها وعده های پوشالی به خانواده ها میدادند . خانواده ها میگویند: "حنای شما نزد ما دیگر رنگی ندارد ، الان سه ماه است که با این وضعیت ما را مستمر از دادگاه به اوین پاس میدهند و هیچکس هم جوابگو نیست. شما اگر مدعی مسلمانی هستید حداقل با دهان روزه دروغ بما نگویید. خودتان هم میدانید که ما نه خسته میشویم و نه از عزیزانمان دست برمیداریم هر چند روز و هفته و ماه هم که بشود ما میایم تا بالاخره شما مجبور شوید بما جواب بدهید "

در حال حاضر علیرغم ماه رمضان پدران و مادران از تهران و شهرستانها از ساعت ۹ الی ۱۴ در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین در حالیکه عکسهای فرزندان و بستگان خود را در دست دارند می ایستند تا وضعیت عزیزانشان را تعیین تکلیف کنند.

### یک فرمانده سپاه مرگ بازداشتی ها در کهریزک را تایید کرد

عبدالله عراقی، فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران، در مراسم تودیع و معارفه فرمانده سپاه ناحیه شمال تهران کشته شدگان اعتراضات پس از انتخابات را ۲۶ نفر اعلام کرد و گفت که سه نفر از این افراد در بازداشتگاه کهریزک کشته شده اند. این در حالی است که چندی پیش اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، گفته بود که «هیچ کس در بازداشتگاه کهریزک کشته نشده است»؛ وی در عین حال مرگ زندانیان در کهریزک را معلول شیوع بیماری دانسته بود.

### دستگیری بیش از ۳۰ نفر در میدان شهدا

امروز مردم تهران همزمان با اعلام برنامه "حضور اعتراضی در روز ۱۷ شهریور" در میدان شهدا یا زاله سابق و خیابانهای اطراف تجمع کردند. بلافاصله نیروهای انتظامی حاضر شده و برای سرکوب آماده شدند. تراکم جمعیت در ساعت ۱۸:۰۰ روزه افزایش بود. بین ۳۰ تا ۴۰ نفر در میدان شهدا دستگیر شدند.

دوبار هلی کوپتر از فضای بالای میدان شهدا عبور کرد که مربوط به نیروی انتظامی بود و حالت چک منطقه را داشت. همچنین مردم در میدان انقلاب تجمع اعتراضی داشتند که نیروهای انتظامی به این تجمع یورش بردند و نیروهای سرکوبگر خیابانهای منتهی به میدان شهدا را بستند.

### نماینده خامنه ای خواستار برخورد با فرماندهان اغتشاشات شد

در آستانه آغاز سال تحصیلی ابراهیم کلانتری، نماینده خامنه ای در دانشگاه تهران، خواستار برخورد با «فرماندهان، طراحان و مباشران اغتشاشات» شد.

ابراهیم کلانتری که رئیس نهاد رهبری در دانشگاه تهران است گفت: «مطمئناً در آغاز سال تحصیلی جو روانی و برنامه ریزی برای به هم ریختن جو آرام دانشگاه ها وجود دارد.»

نماینده خامنه ای در دانشگاه تهران به مقام های مسئول صراحتاً توصیه کرد: «برای حفظ آرامش دانشگاه ها، برخورد با فرماندهان، طراحان و مباشران اغتشاشات ضروری است.»

نماینده رهبر جمهوری اسلامی در حالی این اظهارات را بیان می کند که روز دوشنبه علی فضلی، فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران، در نشست تشکیلاتی بسیج دانشجویی دانشگاه های استان تهران، هشدار داد که «زرمزه های مشکوکی» در دانشگاه ها شنیده می شود. در این نشست که استاندار تهران و وزیر علوم نیز حضور داشتند، علی فضلی منشا اعتراض های پس از انتخابات را حوادث کوی دانشگاه در سال ۷۸ ارزیابی کرده و گفت: «دوباره زرمزه های مشکوکی به خصوص با آغاز سال تحصیلی در دانشگاه ها شنیده می شود که باید قشر دانشگاهی هوشیار باشند و باید توجه داشته باشیم که این حادثه آتش زیر خاکستر است و اگر مراقبت نکنیم و از تاریخ عبرت نگیریم و همچنین اگر از مبانی غفلت کنیم چه بسا حوادثی دیگر در مسیر انقلاب پیش می آید.»

علی فضلی همچنین اعلام کرد که هفته آینده برای نحوه مواجهه با حوادث احتمالی با مسئولان دانشگاه های تهران دیدار خواهد داشت. در این نشست مرتضی تمدن، استاندار تهران، نیز اظهار داشت: «جریان فتنه خیز برداشته تا ناکامی های گذشته را با بازگشایی مدارس و مراکز آموزش عالی جبران کند و به این مقطع دل بسته است.»

## آیا شرایط ما کوچکترین شباهتی به آرامش دارد؟ - ن. ن.

آیا تا به حال به رفتارهای «رهبر منبشانه ی» خامنه ای دقت کرده اید؟ او حتی زمانیکه می خواهد ژست «اقتدار و قدر قدرتی» به خود بگیرد، آنچنان مضحک و ذلیل نشان می دهد که هر انسانی به شخصیت جبون وی بیشتر پی می برد. او که در آغاز این مبارزات فکر می کرد 18 تیر دیگری است و احساسات مردم پس از چند روز فروکش می کند، همان تاکتیک را به کار برد. یعنی چند روز فتوای مدارا صادر نمود و بعد هم مانند همان زمان در یک نماز جمعه شرکت کرد و گریان دستور سرکوب را صادر نمود. اما زهی خیال باطل! در 30 خرداد، مردم مبارز ما آنچنان تو دهنی ای به خودش و رییس جمهورش و سپاهیانش وارد آوردند که بغیر مزدوران مسلح شان، همگی به سوراخ موشهایی پناه بردند که یکی از دیگری خبر نداشت و هر چه از غارت مردمی چنته کرده بودند بار کامیون و کشتی و هواپیما کرده و عازم هجرت شدند. سپاهیان هم در خیابانها وقت می خریدند تا سردارانیشان هم به قافله ی مهاجرین برسند. بازداشت 18 و نیم میلیارد دلار و طلا ی متعلق به سران سپاه در مرز ترکیه، پته شان را بر آب ریخت و مردمان را خندان نمود. چرا که، هنوز اتفاقی نیافتاده بود که اینقدر ترس داشته باشد. خود مردم و تمامی دست اندرکاران سیاست و تحركات اجتماعی، خود می دانستند که حتی درصد کوچکی از توان انقلابی مردم به جوشش در نیامده و تازه طلایه های آن ظاهر گشته است. خلاصه، پس از دو ماه مبارزه شبانه روزی و فرسودگی مقطعی نیروهای مردمی که بیشتر به علت اشتباهات و جدایی منافع رهبری اصلاح طلب ایشان از مردم انقلابی بود تا سرکوب مزدوران مسلح حکومتی، آرامش نسبی ای فضا را در بر گرفت. اما، همین «آرامش» باعث شد که این هیئت و وابستگانیشان، طوفان خشم ملت را پایان یافته تصور کنند و همچون جانوران، به بیرون از پناهگاه هایشان بخرزند. دوباره «خامنه ای رهبر» را پر از باد کردند تا سناریوی شکست خورده قبلی را دوباره تکرار کند.

خامنه ای که معمولاً می بایستی در جمعه ی «روز قدس» نماز جمعه را امامت کند، از ترس وقایعی که ممکن است در آن روز اتفاق بیافتد، یک هفته زودتر این کار را کرد و دوباره گریان، توپ و تشری زد و همگان را به برخورد «مقتدرانه» نظام تهدید کرد. اما، هم در حالاتش و هم در کلامش، هراسی نهفته بود. هراس از آغاز موج جدیدی از مبارزات توده ای مردمی که به خیالشان پایان یافته است. او حق دارد. هر نظاره گر نا آگاه هم می داند که این «آرامش» ظاهری است. به همین اخبار امروز توجه کنید. دانشجویان بابل، برخلاف رهبران اصلاح طلب در بیدادگاه های تلویزیونی، جلسه دادگاه را به محاکمه مسئولان حکومت تبدیل کردند. دانشجویان کوی، دیگر شعاری کمتر از «مرگ بر خامنه ای» نمی دهند. مادران عزا در هفتگی کردن گردهمایی هایشان پیروز شدند. مهمتر آنکه طبقه کارگر، که در دور پیش این مبارزات غایب اصلی بود، امروز می رود تا در صف پیشوایان مبارزه قرار گیرد. حکومت از ترس سرنوشتی، کاملاً به اقدامات مسلحانه روی آورده است. تمام این حوادث نیز فقط در یک روز صورت پذیرفته است. وقایعی که هر یک از آنها، تا همین یکی دو سال گذشته، هفته ها، خوراک تبلیغاتی اپوزیسیون می شد. آیا این شرایط کوچکترین شباهتی به آرامش دارد؟ روز قدس، جمعه 27 شهریور است. هفته بعد، اگر حکومت جرأت کند، بازگشایی دانشگاه هاست. پانیز، هنگام تعطیل شدن کارخانه ها است. اقداماتی که حتی اگر حکومت به تعویق شان بپردازد، بالاخره مجبور به انجامش است. ما باید خود را برای موج دیگری آماده سازیم.

ن. ن.

انتشار از «ندای سرخ» وابسته به گروه «بسوی انقلاب»  
22 شهریور 1388

## کارگران مبارز! انقلابیون کمونیست!

برای هرچه غنی تر کردن محتوا و سراسری تر کردن پخش نشریه

با ما همکاری کنید

با ارسال گزارش از محل اشتغال زندگی و مبارزات خود به

غنا ی هر چه بیشتر این نشریه بیافزایید

proletariat1871@gmail.com

## چپ انقلابی و تشکلات کارگری (۱)

### پیشگفتار

اخیراً با انتشار مقاله ای در نقد مطالب مطروحه در مصاحبه آقای اسالو (رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی) با دانا شهسوار (سایت روز) از طرف رفقای "لغو کار مزدی"، فریاد "وا مصیبتا" از طرف "چپ‌های" رفرمیست به آسمان رفت و ایشان را "حیرت زده" کرد.

اما در میان همین "شگفتی"، آنقدر خونسرد بودند که فرصت را برای وارونه جلوه دادن قضایا و احراز مقام "قهرمان" طرفداران سندیکا و سندیکارگری مناسب تشخیص دهند. گویا به همین زودی فراموش کرده اند که پدر خوانده های سیاسی ایشان در "حزب توده" همان هایی بودند که در طول مبارزات انقلابی و کارگری اواخر دهه های ۴۰، از طریق "تشکیلات تهران" و سال های انقلاب ۵۷ تا اواسط دهه ۶۰، در بالاترین رده های حزبی، با دستگاه های امنیتی حکومت های ارتجاعی پهلوی و رژیم اسلامی در سرکوب و بازداشت همین فعالین مستقل کارگری و مبارزان انقلابی همکاری می کردند. اما اگر ایشان در میان "حیرت زدگی" خود حافظه شان را از دست داده اند، ما و دیگر مبارزان انقلابی و فعالان کارگری هنوز داغ از دست دادن رفقای خود را در سینه محفوظ داشته، نه هرگز فراموش کرده و یا می بخشیم. و از اینکه این حضرات گیج و حیرت زده، در نوشته های خود با غرض ورزی و دروغ، سعی کنند ما و رفقای "لغو کار مزدی" را در کنار حکومت اسلامی و ارگان های ضد کارگری آن جلوه دهند، اصلاً حیران و غافلگیر نمی شویم. چرا که از فرزندان خلف چنان پدر خوانده هایی، چنین رفتارهایی را انتظار داشته و می دانیم که کارکرد ایشان چیزی جز گمراهی مبارزان انقلابی و فعالین کارگری و توده های مردمی نمی تواند باشد.

اینک که پس از ۲۸ سال جنبش های اجتماعی رو به اعتلاء گذاشته و می روند تا مردم متفرق را در نهادهای مردمی ای چون سندیکاها و اتحادیه های کارگری و انجمن های دانشجویی و تشکلات مستقل زنان و ... متحد سازند، این انگل های سیاسی نیز زالو صفتانه خود را بر بدنه ی جنبش مردمی چسبانده و نیش زهر آگین خود را بر پیکره ی این نهادهای بالقوه انقلابی فرو برده اند. درست در زمانی که بالاخره پس از نزدیک به سه دهه تار و پود حکومت اسلامی در حال گسستن است و اصلاح طلبان و دیگر لیبرال ها برای به دست گرفتن قدرت سیاسی و جایگزینی حکومت مذهبی در حال سازماندهی خود و اتحاد با یکدیگر و همسویی با منافع سرمایه داری جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می باشند، می بینیم که "چپ های" رفرمیست نیز خود را برای پیوستن به این ائتلاف شوم کاندید کرده اند و برای اینکه بتوانند حضور ننگین خود را در چنین ائتلافی به آمریکا و هواداران آن تحمیل کنند تا ایشان نیز از چپاول کارگران و دیگر زحمتکشان و قدرت سیاسی احتمالی سهمی ببرند، چون همیشه، مبارزات کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی را وجه المصلحه قرار داده و با تبلیغ تئوری های سازشکارانه و تقویت عملی جناح راست در جنبش کارگری، وفاداری و قابلیت خوش خدمتی خود را به اربابان سرمایه به اثبات برسانند. اما اگر قرار است که مبارزه ی مردم ایران و طبقه کارگر آن به نتیجه رسیده و ساختار دیکتاتوری طبقاتی را به نفع طبقه کارگر منحل ساخته و دمکراسی مستقیم توده ای را در شوراهای کارگری و منطقه ای برقرار سازند، چپ انقلابی باید مبارزه ای بی وقفه را علیه راستگرایان لیبرال و تئوری های سازشکارانه ی "چپ" رفرمیست به پیش برده و چهره ی سرمایه دارانه آنها را در میان کارگران و دیگر اقشار انقلابی افشاء کنند. و با طرد ایشان از تشکلات کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی، مبارزات مردمی را به سمت تحولات ساختاری قدرت و بنیادین روابط سرمایه داری به پیش برند!

### شرایط کنونی مبارزه طبقاتی و وظایف چپ انقلابی

در اثر شکست سیاست های نو لیبرالی سرمایه جهانی و افشای ماهیت ضد مردمی آن در چشم جهانیان، در بسیاری از کشورهای عقب نگاه داشته شده و "در حال توسعه (!)" جنبش های اجتماعی به حرکت در آمده و پس از نزدیک به ربع قرن از خواب زمستانی بیدار گشته اند. تحرکات جنبش های اجتماعی در آسیای جنوبی و مرکزی، آمریکای لاتین، و حتا در قلب کشورهای غربی چون فرانسه، آلمان و آمریکا همه دال بر بیداری مجدد جنبش های اجتماعی در سراسر جهان دارد. البته طبیعی است که این جنبش ها، از لحاظ تنوع در موقعیت های اجتماعی و جغرافیایی، در مراحل مختلف و اشکال متنوع ظاهر گردند و هر یک دارای مشخصات ویژه ای باشند. اما آنچه در کلیه ی ایشان بصورت مشترک حضور داشته، خصلت ضد سرمایه داری و ضد سیاست های نولیبرالی "جهانی سازی" و "جنگ" است.

در ایران نیز شرایط عمومی بر همین منوال است. اما ویژگی شکل حاکمیت سیاسی و منافع طبقاتی قشرهای مختلف سرمایه داری دولتی و خصوصی، همراه با تضادهای طبقه حاکمه و سرمایه جهانی، و مجادلات درونی هیئت حاکمه، شرایط بحرانی آن را به جایی رسانده است که در آینده ای نه چندان دور، مردم نتوانند حکومت را تحمل کرده و حکومت نیز نتواند بدون سرکوب های قهرآمیز بر مسند قدرت باقی بماند. هم اکنون نیز ما شاهد تحرکات خیابانی اقشار مختلف کارگری و جنبش های اجتماعی بوده که سرکوب قهرآمیز حکومتی را به دنبال داشته است. اما آیا صرف آنکه شرایط انقلابی ظهور کند، بدین معنا است که طبقه کارگر و دیگر اقشار تحت استثمار و ستم، از درون این مجادلات پیروزمندانه گذر کرده و به دمکراسی و آزادی خواهند رسید؟ مسلماً تجربه ی تاریخی شکست انقلاب ۵۷ و مسلط شدن ضد انقلاب بر حاکمیت آن دوران، ما را از لغزش مجدد به رویاهای خوش باورانه باز می دارد. این درست است که سرمایه داری در ایران دوره ی بحرانی سرنوشتی را تجربه می کند، که از یکطرف منافع طبقه حاکمه و امپال آن با منافع سرمایه جهانی خوانایی نداشته و رقابت جناح های مختلف انحصارهای دولتی و خصوصی، در هم و با هم، آن را متلاشی خواهد کرد. اما، از طرف دیگر، جناح های لیبرال دور از محافل قدرت و ثروت نیز به این شرایط واقف بوده و با ایجاد عملی ائتلاف هایی با ارتجاع غیر حاکم، و در هماهنگی با سیاست های سرمایه جهانی، خود را در موضع تصرف قدرت سیاسی قرار داده اند. و این در شرایطی است که جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی در تفرق و عدم سازماندهی به سر می برند. و با در نظر گرفتن تئوری های سازشکارانه ی مسلط بر رهبری بخش کوچک سازمان یافته ی آن، چون کانون صنفی معلمان و سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی و ... آینده ای نه چندان امیدوارانه ای را ترسیم ساخته است. درست در چنین زمانی است که انقلابیون چپ نیز، در گسستگی کامل از یکدیگر و در اقلیت مطلق سازمان ها و نهاد های جنبش های اجتماعی به سر می برند.

پس، اگر ما خواهان تغییر این شرایط هستیم و امیدواریم که بتوانیم با تلاش خود توازن قوا را به سمت منافع طبقه کارگر و قرار دادن آن در موضع قدرت تغییر دهیم، باید به ضعف های خود چیره شده، به گسستگی صفوف خود پایان داده و در ارتباطی ارگانیک با نهادهای کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی قرار گیریم. مسلماً در این راه، مانع اصلی موفقیت ما، تئوری های سازشکارانه و موانع نظری است که "چپ" رفرمیست در مقابل رهبران اتحادیه های صنفی و محافل سیاسی چپ قرار داده است، اما، متأسفانه در صفوف چپ انقلابی نیز ما با توهمات چپگرایانه ای روبرو هستیم که با نفی لزوم تنوع سازماندهی طبقاتی طبقه کارگر و محکوم کردن هر شکلی از مبارزه ی صنفی و قانونی باعث جدا نگاه داشتن ما از توده های کارگری و دیگر اقشار تحت ستم گشته است. مواضع چپ روانه در مقابل "سندیکاها" و کانون های صنفی و تحرکات برابری طلبانه ی زنان و حقوق کودکان و ... که از طرف رفقای "لغو کار

مردی و التقاطیون "چپ رادیکال" اتخاذ گشته است، در مقطع کنونی، خطری جدی بوده که باید با دامن زدن به مباحث نظری، سعی در معالجه ی این بیماری و بر طرف کردن عوارض آن نمود. البته باید به خاطر داشت که ظهور و تداوم چنین نظراتی ناشی از شکست هایی است که "چپ" رفرمیست، در طی دهه ها به جنبش انقلابی وارد آورده است. لنین در قسمت چهارم مقاله ی "چپ روی، بیماری کودکان ی کمونیسم" به صراحت تجربه ی کمونیست های روسیه را در اوایل قرن گذشته در چگونگی مبارزه با این عارضه طرح نموده است. او معتقد است که بهترین معالجه برای این بیماری، پیشگیری از ظهور آن، یعنی مبارزه علیه تئوری های کمونیست های راستگرا ("چپ" رفرمیست) و جلوگیری از شکست هایی است که این تمایل سرمایه دارانه به جنبش کارگری تحمیل می نماید. اما، در حال حاضر، و در شرایط حساس کنونی، ما باید تفاوت دیدگاه خود را از رفقای "چپگرا" مشخص سازیم تا باعث گمراهی مردم و سوء استفاده ی "چپ" رفرمیست نشویم. به خصوص که در مجادلات اخیر رفرمیست ها با "چپگرایان"، ایشان پشت جنبش اصیل سندیکایی پنهان گشته و هر مبارزه ای را علیه نظریات سازشکارانه ی "سندیکالیسم"، برابر با دشمنی علیه سندیکاها و رهبران آن می نمایند.

### چپ انقلابی و جنبش سندیکایی

نیازی به تکرار و واهمه ای از اختلاف نظر نیست اگر بگوئیم که هنگام شکست انقلاب ۵۷ و تسلط ضد انقلاب بر ارکان حاکمیت و قدرت سیاسی، قریب به ۱۷ سال اعمال دیکتاتوری سیاه مذهبی و قتل عام مبارزین انقلابی و فعالین کارگری و انحلال و انهدام تشکلات مستقل کارگری و سازمان های چپ انقلابی (با همکاری بالاترین رده های رهبری حزب توده و چریک های اکثریت)، جنبش کارگری - سوسیالیستی را متحمل چنان ضرباتی نمود که تار و پود آن را از هم گسیخت. صحنه سیاسی و مبارزاتی خالی گشت و تمامی مواضع آن به اشغال نهادهای وابسته به حاکمیت ارتجاعی سرمایه داران انحصاری دولتی و خصوصی در آمد. اما با پایان یافتن جنگ و مرگ رهبری کوریژماتیک، و عدم توانایی حکومت مذهبی به پاسخگویی به انتظارات مردمی، و افشای فساد بیکران در دستگاه ها و عناصر تشکیل دهنده اش، باعث تقلیل نفوذ روحانیون بر مردم و در هم شکستن توهم "عدالت خواهی" آنان گشت. فشارهای روزافزون زندگی بر ترس ایشان از سرکوب علیه کرد و اعتراضات منفرد و خودبخودی آغاز گشت. بزرگترین و معروف ترین تجلی این اعتراضات قیام خودبخودی اسلامشهر در سال ۱۳۷۴ بود که هم به مردم و هم به حکومتیان پایان دوران رکود و آغاز دوران اعتلاء را گوشزد کرد. طبقات محروم تداوم شرایط فقر و درماندگی را تحمل نداشتند و متوجه شدند که اگر سرنوشت خود را به دست نگیرند، اوضاع روز به روز بدتر خواهد شد.

حکومتیان نیز از این حقیقت آگاهی داشتند و متوجه تغییر روحیه در بخش تحتانی جامعه بودند. جناح های غیر غالب در حاکمیت که برای سال ها از مواضع کلیدی به حاشیه رانده شده بودند، موقعیت را برای بازگشت خود مناسب تشخیص داده و با حرکتی آکروباتیک مواضع سیاسی و چهره ی اجتماعی خود را تغییر داده و با شعارهای اصلاح طلبانه یی به ظاهر همسو با خواست های مردمی وارد صحنه شدند. اما در واقع به دنبال سوء استفاده از احساسات و توان مردم بعنوان اهرمی برای چانه زنی (فشار از پایین و چانه زنی از بالا) بودند. با چنین تاکتیکی که در خلاء آلترناتیوی جدی اتخاذ گشته بود، آنها توانستند به مردم امیدهای واهی - اصلاح پذیری حکومت" را از طرق پارلمانی و تحرکات صرفاً قانونی القاء کنند و اقدام مستقیم مردمی را به کانال های زیر کنترل خود هدایت سازند. بدین ترتیب بود که واقعه ی دوم خرداد ۱۳۷۶ شکل گرفت و با جایگزینی توهم پوسیده و فرسوده ی "عدالت اسلامی" با رویاهای "اصلاح پذیری"، جنبش مردمی را به بیراهه کشاندند. مردم که در رویای "اصلاح پذیری" فرو رفته بودند، از اقدام های مستقیم دست شسته و نتیجتاً از تشکل و سازماندهی خود باز مانده و چشم به بالا بستند. اما حکومت استبداد مذهبی ارتجاعی تر از آن بود که حتا تن به اصلاحاتی ظاهری و محدود دهد. با شکست های پیاپی تاکتیک پارلمانی و صرفاً قانونی اصلاح طلبان، علیرغم در تصرف داشتن مواضع کلیدی قدرت، و تمکین به احکام رسمی و غیر رسمی ولی فقیه و تابعیت از استبداد حکومت مطلقه، تاریخ مصرف این توهم نیز سر آمد و به خصوص پس از شکست طرح دو گانه ی رئیس جمهور در پاییز و زمستان ۱۳۸۰، روحیه ی "اقدام مستقیم مردمی" مجدداً بر اذهان مردم مسلط گشت. این واقعیت را می توان در موضعگیری های جنبش دانشجویی که همواره پیشاپیش دیگر افشار مردمی، نشانگر سمت و سوی آتی جنبش های اجتماعی است، از ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به بعد و گسست از خط اصلاح طلبی، تعقیب کرد.

در همان سالها بود که تحرکات سازماندهی کارگران در اشکال متنوع آغاز گشت. فعالیت مجدد "هیئت موسسان سندیکاها کارگری" در سال ۸۱، و بازسازی و تحرک مجدد "کانون های صنفی معلمان" در همان سال، تشکیل "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری" در سال ۸۳ و ایجاد "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" در سال ۸۴، احیاء "سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی" در بهمن ماه همان سال و شکلگیری "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" در آذر ماه ۸۵ و تاسیس و احیاء تشکلاتی دیگر در طی این سالها، از جمله "سندیکای فلز کاران..."، "سندیکا کارگران نقاش..." نتیجه و محصول همین دوران و شرایط جدید مبارزه طبقاتی بوده اند که همچنان ادامه دارد.

در اینجا باید اعتراف کنیم که از میان این تشکلات، شکل سندیکایی سازماندهی کارگران، با وجود کلیه نواقص و کمبودهای آن، از موفق ترین نمونه ها بوده و طبیعی است که اینگونه باشد. شکل سندیکایی در طول تاریخ مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داری همواره از ابتدایی ترین اشکال سازمانی این طبقه بوده است. از ظهور مارکسیسم، بمثابه ی علم مبارزه طبقاتی، کلیه متفکرین و رهبران کارگری از اهمیت سندیکا گفته اند و برخورد علمی با این پدیده را گوشزد کرده اند. چرا که سندیکا حاصل مبارزات خودبخودی طبقه کارگر بوده است و تنها شکلی از اشکال متنوع سازماندهی کارگران است که کلیه ی افشار کارگری را برای دفاع از حقوق حقه خود متحد می سازد. برای عضویت در سندیکا هیچ پیش شرط سیاسی و ایدئولوژیک وجود نداشته و صرف کارگر بودن کفایت تا هرکس بتواند در صفوف آن جای گیرد. و از آنجاییکه منافع روزمره ی کارگران را هدف قرار داده، پس لزوم پیوستن به آن نیازی به واسطه های آموزشی نداشته و در آن کارگران با درجات مختلف آگاهی به دور یکدیگر جمع می شوند. در سندیکا ها و اتحادیه هاست که کارگران یکدیگر را بمثابه یک طبقه مشترک المنافع در مقابل کارفرما و حکومت حامی آن می یابند و در طول مبارزات خود برای احقاق حقوق صنفی - سیاسی شان از قبیل حق داشتن تشکلات مستقل کارگری، حق اجتماعات، حق اعتصاب و حق دریافت مزد بیشتر و شرایط کار مناسب تر و ... و در پیوند با فعالین با تجربه و آگاه کارگری، آموزش های ابتدایی لازم جهت درک منافع کوتاه مدت و درازمدت طبقاتی و شیوه های مختلف مبارزات قانونی و فرا قانونی، مخفی و علنی و ... را فرا می گیرند. البته هستند کسانی که مبارزه ی طبقه کارگر و اشکال سازماندهی آن را منحصر به مبارزات صنفی و روزمره و کوتاه مدت کرده و شیوه ی مبارزه را به فعالیت های قانونی محدود می سازند. چرا که بعثت ویژه گی های این شکل از اشکال متنوع سازماندهی طبقه کارگر، انواع و اقسام دیدگاه ها و ایدئولوژی ها در آن حضور دارند. همانطور که گفتیم تنها شرط عضو شدن در سندیکا، کارگر بودن است و کارگران نیز از مادر سوسیالیست زاده نشده و در ابتدا تحت تأثیر سیستم آموزشی مسلط بر جامعه و باورهای متداول، معمولاً حامل نظرات سرمایه دارانه می باشند. پس در درون سندیکا ها، یک فعال کارگری چپ انقلابی با انواع تفکرات غیر کارگری روبرو بوده و برای هدایت چنین تشکلاتی دائماً در حال مبارزه ایدئولوژیک با رهبران و اعضاء سازشکاری که به جای اعتماد و تکیه بر قدرت اتحاد و



سازماندهی طبقه کارگر، چشم به بالا داشته و از منافع درازمدت خود و طبقه خود غافلند، می باشد. البته سرمایه داران نیز با گریزش، تطمیع و تحمیق چنین عناصری آنها را در اختیار خود در آورده و علیه دیگر کارگران به کار می گیرند. اما سرمایه داران هرگز قدرت خرید کلیه و یا حتی اکثریت کارگران متشکل در سندیکاها و اتحادیه ها را نداشته و با مزدور سازی اندکی از ایشان، اهداف خود را پی می گیرند. پس وظیفه ی عنصر انقلابی چپ در این نوع تشکلات تبلیغ و ترویج سوسیالیسم انقلابی و اهداف آن در جهت انتقال آگاهی طبقاتی و جذب آماده ترین نیروهای کارگری به کمیته های انقلابی محل کار و منطقه جغرافیایی و مبارزه ای بی امان با دیدگاه "سندیکالیستی" (یعنی دیدگاهی که سندیکا را تنها شکل سازماندهی کارگری دانسته و فعالیت های آن را محدود به خواسته های صنفی و قانونی می سازد.) می باشد. عناصر چپ انقلابی فعال در درون سندیکاها با اعتماد به توان و نیروی طبقاتی کارگران همواره خواهان حفظ دموکراسی درونی آن بوده و روال دموکراتیک را در دخالت حداکثری اعضاء تبلیغ و رعایت می کنند. در درون چنین تشکلی است که باید کارگران بیاموزند که قدرت نه در رأس که باید در منشاء آن باقی بماند. ایشان باید بیاموزند که با انتخاب سخنگو و نماینده برای پیشبرد فعالیت های سندیکایی، هیچ اختیاری را از خود سلب نکرده و در هر مقطعی که نمایندگان و سخنگویان را مناسب با مسئولیتی که به ایشان واگذار کرده اند نیافتند، او را خلع کرده و دیگری را بر گزینند. اما در عین حال، عناصر آگاه چپ انقلابی باید همواره با تحلیلی صحیح از شرایط عینی مبارزه طبقاتی و محدودیت های شکل سندیکایی، خود و کارگران آگاه و آماده را محدود به چنین تشکیلاتی نکرده و با سازماندهی ایشان در کمیته های سیاسی - سوسیالیستی و ارتقاء سطح مبارزاتی، به غنای هر چه بیشتر فعالیت های سندیکایی بیافزایند. این کمیته ها در حقیقت به معنای تشکیل فراکسیون های چپ انقلابی در درون سندیکاها عمل کرده و با حرکتی یکپارچه سعی در تاثیر گذاری در تصمیمات روزمره و درازمدت سندیکا خواهند داشت. البته نقش و وظایف دیگری خارج از سندیکا و در قبال اشکال دیگر سازمانی نیز بر دوش این کمیته ها هست که از حوصله ی بحث این بخش خارج است.

### سندیکالیسم و چپ انقلابی

پس می بینیم که برای ما شکل سندیکایی مبارزه از آنجا که منشاء و نقطه ی آغازین سازماندهی طبقه کارگر است تا چه اندازه اهمیت دارد. در برخورد با نقش سندیکاها و دیگر نهادهای صنفی، ما با دو انحراف اساسی روبرو هستیم که اگر چه از زوایای متفاوت و با بهانه های متضاد به نقش و عملکرد سندیکاها نگاه کرده و برای نیروهای سوسیالیست فعال در آن وظایف متفاوتی را طرح می کنند، اما در واقع هر دو به یک نتیجه مشترک، یعنی گسست از ایجاد روابط متقابل انقلابی بین سندیکا و فعالین سوسیالیست، می رسند. در بالا گفتیم که دیدگاه سرمایه دارانه (بورژوازی) و سازشکاری که از نیرو و توان مبارزات انقلابی طبقه کارگر در هراس است و همواره خواهان کنترل و محدود ساختن آن در چارچوب تنگ منافع صنفی می باشد را "سندیکالیسم" می نامیم. مناسفانه با رجوع به فعالیت های سندیکاها و کانون های صنفی در انواع جنبش های کنونی موجود در ایران متوجه می شویم که این طرز تفکر هم اینک دست بالا را داشته و رهبران صنفی را تحت تاثیر خود قرار داده است. این دیدگاه به بهانه های مختلف و تحت تاثیر مستقیم تبلیغاتی و تهدیدهای حکومتی منکر ماهیت سیاسی مبارزات طبقاتی کارگران بوده و بین خواسته های صنفی و سیاسی ایشان دیوار چین می کشد. مثلاً اگر به جمع بندی آقای بهمن فاتحی از فعالین جنبش معلمان ایران رجوع کنیم، می بینیم که ایشان مسئله را اینگونه توضیح می دهد: "اول اینکه وقتی از کانون صنفی صحبت میکنیم در واقع دو گرایش یا خط اصلی که در کانونها وجود دارد را باید مد نظر داشت که تبلورش را در سیاستهای اتخاذ شده شورای هماهنگی {فرهنگیان - ن} می بینیم. یکی خطی که خواسته های اکثریت معلمان را در نظر دارد و بدنبال تحقق این خواسته هاست. و یکی هم گرایش قانون گرا، که بدنبال پهلوانی در میان جناحهای حکومت میگردد تا بخشی از خواسته های محدود معلمان را متحقق کند. اینجا منظور من عمدتاً این گرایش در شورای هماهنگی است که مناسفانه در این دور اعتراضات غالب بود ... یک گروه با این دلیل که تمام حقمان را که نمیدهند، پس خواسته هایمان راچنان محدود کنیم تا حکومت آنها را بپذیرد، گروه دیگر بعد از ۲۸ سال تحمل فقر و محرومیت از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود، دیگر حاضر به کوتاه آمدن و به کم قانع بودن نیست و تمام حفش را میخواهد. همین تفاوت عملاً بین خواسته ها و حتی شکل اعتراض این دو گروه تفاوت زیادی بوجود میآورد. ... واقعیت این است که این خط و سیاست جریانی است که علاوه بر هر نیت و سابقه ای که داشته باشد برای رسیدن به خواسته هایش، به بخشی از حکومت چشم امید دارد. چیزی که توده معلم در همان ابتدا با شعار "۲۸ سال گذشته، عدالت کجا رفته" آنرا رد کردند. این جریان قدرت اعتراضی معلمان را بعنوان عامل فشار جهت متقاعد کردن حکومت برای رسیدگی به خواسته های آنها در نظر میگیرد و نه آن نیروی تعیین کننده ای که میتواند اهداف مبارزه را متحقق کند. به همین علت از این قدرت بشکل قطره چکانی استفاده میکند. بیش از آنکه بفکر بیدار کردن معلمان برای پیگیری خواسته هایشان باشد، نگران خارج شدن اعتراضات از کنترل خود و انجام حرکات "خشونت آمیز!!" و طرح خواسته های سیاسی از سوی معلمان است.... فقط کافی است این اظهارات و تصورات را با خواست معلمانی که با وجود بگیر و ببند و فشارهای مختلف خواهان ادامه مبارزه تا به آخر هستند را با هم مقایسه کرد، تا اختلاف این دو موضعگیری را متوجه شد. بین تفکر و سیاستی که بدون هیچ توهمی به مبارزه، کل خواسته های معلمان را در نظر دارد اما مجبور است ملزومات مبارزه علنی را رعایت کند، با تفکری که میخواهد اعتراضات معلمان را به دنباله درگیری جناحهای حکومت تبدیل کند و ظاهراً مبارزه را از این کانالها پیش ببرد، تفاوت زیادی وجود دارد که مردم آن را بخوبی تشخیص میدهند. ... ظاهراً شکست دوم خرداد درست زمانی که دولت و مجلس را در دست داشت اینها را به عقیم بودن خط اصلاحات متقاعد نکرده. هر کس مجاز است در خلوت خود به هر رویایی باور داشته باشد. اما خواسته های ملیونها معلم معترض و خانواده های آنها که برای رسیدن به ابتدایی ترین حقوق خود سالهاست متحمل بیشترین فشارها شده اند را نمیتوان به برآورده شدن این روایا منوط کرد. این خط قبلاً در جامعه امتحان خود را پس داده. اکثریت معلمان توهمی به این سیاستها ندارند. بنظرم معلمان این خط را تشخیص داده اند و فاصله گرفتن آنها از کانون به همین دلیل است...." و سپس در مقابل سؤال مستقیم - "نظر شما در مورد ادعای رهبری کانون که مبارزات معلمان را صرفاً صنفی اعلام می کرد چیست؟" می گوید: "این ادعایی ست برای محدود کردن اعتراضات معلمان که بجز خود حکومت، رهبری کانون هم خیلی روی آن تاکید داشت. درعین اینکه هم حکومت و هم معلمان میدانند این واقعیت ندارد. وقتی مسئولان بد حجابی را هم مسئله سیاسی و مخالفت با حکومت قلمداد میکنند، مبارزه یک میلیون معلم علیه تبعیض را کاملاً صنفی اعلام کردن از هیچکس نمیتوان پذیرفت. هدف چنین ادعایی محدود کردن خواسته های معلمان حتی در زمینه های مطالبات صنفی است. اینها اول خواست صنفی را به خواست افزایش حقوقها تقلیل میدهند و بعد تحقق این خواست را به اجرای نظام هماهنگ منوط میکنند. به این ترتیب هرخواسته ای بجز این سیاسی تلقی میشود. خواست سیاسی داشتن هم میدانیم در این مملکت چه عواقبی دارد. به این ترتیب کسی جرأت اعلام خواسته های دیگر را نمیکند. ممکن است خود کانون متوجه این وجه موضوع نباشد اما از طرف حکومت مطمئن بطور آگاهانه خواسته های معلمان "صنفی" وانمود میشود تا با زدن اتهام سیاسی به رهبران و چهره های شناخته شده، سرکوب اعتراضات را مشروع جلوه دهد. من هم می پذیرم معلمها در وهله اول خواسته های صنفی دارند. اما هرکس که دو روز در این مملکت زندگی کرده باشد میداند که اولاً خواست افزایش حقوقها تنها بخشی از خواسته های ماست. نظام هماهنگ طرحی است که تا کنون هیچ دولتی قادر به اجرای آن نبوده اگر هم اجرا میشد بخش ناچیزی از این خواست را بر آورده میکرد و نه کل آن مطالباتی که ما برایش مبارزه می کنیم. خواست اجرای این طرح، یعنی بدنبال نخود سیاه فرستادن معلمان. دوما هر خواستی چه

سیاسی و چه صنفی بلا فاصله با سرکوب پاسخ میگیرد و علاوه بر میل ما سیاسی میشود. راه مقابله با این سیاست حکومت این نیست که ما هم خواسته هایمان را در همان چارچوبی که حکومت میخواهد محدود کنیم. اگر اعتراض ما به زندگی زیر خط فقر و نداشتن آزادی خواسته هایی سیاسی هستند باید گفت بله ما خواسته سیاسی داریم، تا همین حربه برای سرکوب را هم از دستشان بگیریم". (مصاحبه با سایت سلام دمکرات)

اگر با دقت به اظهارات این معلم مبارز توجه کرده باشیم، جنبه های مختلف محدودیتهایی که "سندیکالیسم" به جنبش طبقه کارگر تحمیل می کند را خواهیم شناخت. اصولاً بحث بر سر آن نیست که آیا در مقطعی کارگران یک سندیکا صرفاً خواسته های صنفی داشته باشند. اینکه خواسته ی کارگران در مقطع معینی چیست را باید دمکراسی درونی سندیکا و یا اتحادیه مشخص سازد. پس بحث بیشتر اینست که "سندیکالیسم" بر مبنای دیدگاه سرمایه دارانه ی "نمایندگی"، از خواسته های واقعی توده های کارگر فاصله گرفته و تنها خواسته هایی را مطرح می کند که قابل قبول و تحمل حکومت ها باشد. در اینجاست که ما می گوئیم یک عنصر چپ انقلابی همواره به دمکراسی درونی سندیکا تکیه داشته و به تصمیمات اتخاذ شده از طرف بدنه ی سندیکا احترام می گذارد. این بدین معنا نیست که لزوماً با این تصمیم ها هم نظر باشد، بلکه منظور ما اینست که باید به اعضاء سندیکا نشان دهد که قدرت تصمیم گیری باید در منشاء باشد و نه در نهاد "نمایندگی" و یا "سخنگویی"! دوم اینکه، سندیکالیسم با ادعای "سیاسی نبودن" مبارزات صنفی و محدود ساختن خواسته های کارگران به خواسته های قابل تحمل حکومت، در عمل سیاست های اصلاح طلبانه را پیاده کرده و مبارزات سندیکا را به دنباله چپ ی رقابت جناح های حکومت سرمایه داری تبدیل می کند. پس "سندیکالیسم" دیدگاهی ضد سندیکایی و ضد کارگری است. حتی اگر همچون کانون صنفی معلمان ایران، نمایندگان آن با حسن نیت به آن گردن نهاده باشند و حاضر به پذیرش زندان و سرکوب باشند.

همین نکات را آقای محمد اشرفی یکی از فعالین شاخص کارگری از "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری" در مورد نیروهای برگزار کننده ی مراسم اول ماه مه امسال مطرح می سازد. دقت کنید: "با توجه به اینکه راست وابسته (وابستگان به حکومت- خانه کارگر و ...-ن) تلاش می کند بخش راست مستقل (سندیکالیست ها - ن) را با خود همراه کند و در همین مقوله راست مستقل نیز آگاهانه این مسیر را تعقیب می کند، در این حالت وظیفه چپ در جنبش کارگری انجام کار فرهنگی و آگاهی رسانی به بدنه راست مستقل است. که اگر اندکی کوتاهی شود با توجه به اعتباری که طی دو سال اخیر راست مستقل بر مبنای اعتراضات درست خود بدست آورده است می تواند بسیاری از کارگران را تحت لوای صنف گرایبی و قانون گرایبی به دامن راست وابسته کشانده جنبش را دچار رکود کند. هم گرایبی میان راست وابسته و راست مستقل ضمن اینکه باعث می شود راست مستقل، استقلال خود را از دست بدهد در همین حال انحراف وحشت ناکه را به جنبش تحمیل خواهد کرد. مسلماً در سال ۸۶ تکلیف میان این سه بخش روشنتر خواهد شد. مذاکرات صورت گرفته میان فعالین چپ با بخش های مختلف راست مستقل نشان داد که سیاست راست مستقل دقیق و آگاهانه در جهت هم گرایبی با راست وابسته است. سیاست امتیاز گیری و لاس زدن با لیبرالیسم این تر را تقویت می کند. هرچند که راست وابسته هنوز امتیاز چپ جریغ سبز، نداده است اما زمینه های نزدیکی با توجه به لاس زدن با بخشهای لیبرالیسم از جمله کروی و دارو دسته اش و ملی مذهبی ها و ... نزدیک شدن این دو بخش را نشان می دهد. عوامل سرمایه داری مانند کروی و احزاب روزنامه ای مانند اعتماد ملی برای فریب و بدست آوردن رای کارگران فعالیت خود را صد چندان کرده اند، افشای چنین نقشه ای در بعد نظری و عملی در سطح بدنه جنبش کارگری به سرعت و با همه ی وسیع وظیفه و رسالت تاریخی رادیکالیسم کارگری است، که اگر کوتاهی شود جنبش کارگری یک دوره ی دیگر به حاشیه رانده خواهد شد. ائتلاف های سال گذشته نشان داد راست مستقل به پشتیبانی چرخ سبز ها و وعده وعید های لیبرالیسم تلاش کرده به هر طریق ممکن از ائتلاف با رادیکالیسم و چپ کارگری با نام و نشان دوری کنند تا برای دوستان جدید شان ثابت کنند که همانهایی هستند که آنها لازم دارند. امروز راست مستقل به دلیل عدم شرکت در قدرت که نتیجه افتراق میان او و راست وابسته است تن به مبارزه مثبت داده است، پس از مذاکره و هم گرایبی دو بخش راست مرز میان آنها کم رنگ شده و مبارزه رادیکال و حرکتی مستقل آن به سمت صفر میل خواهد کرد. راست رادیکال دیروز که بخش عمده کمک های دریافتی خود را به صورت های مختلف از چپ دریافت کرده است، در سکانس بعدی مقابل چپ همراه با لیبرالیسم و راست وابسته صف آری خواهد کرد. در واقع با شروع مذاکرات اعلام نشده با لیبرالیسم و راست وابسته این مسیر شروع شده است. میزان توان و آمادگی بالفعل و سپس بالقوه رادیکالیسم کارگری می تواند تعیین یا عدم تعیین جهت مسیر آینده را رقم بزند. به دلیل تحت فشار بودن جنبش کارگری و عدم توازن قوا، هرگونه مذاکره و در هر سطحی میان کارگران با عوامل سرمایه داری و کارفرمایی منجر به شکست جنبش کارگری خواهد شد. ما از دوستان خود می خواهیم تن به مذاکره با دشمنان طبقه کارگر ندهند، که از نظر ما چنین مذاکراتی سازش و مماشات است. یا اگر بنا به دلایل ساختار فکری، مذاکره را لازم می دانند، حداقل برای کسب آگاهی لازم، حضور کارگران و خبر نگاران را در جلسه مذاکره، شرط قبول مذاکره قرار دهند. تا مذاکره ی فوق در حضور جمع و رو به جنبش کارگری صورت بگیرد. قبول نکردن این پیشنهاد نشان دهنده طرح سازش و مماشات خواهد بود." (گزارش تحلیلی محمد اشرفی از اول ماه مه: جنبش کارگری رو به رشد)

پس می بینیم که مشکل اساسی "سندیکالیسم" در ماهیت ضد کارگری آن بوده که راه حل های سرمایه دارانه را در مقابل جنبش کارگری گذاشته و بر خلاف خواسته ی کارگران که با اعتماد به نیروی خود خواهان مبارزه تا پیروزی هستند، راه سازش و مماشات با سرمایه داری را برگزیده و جنبش کارگری را به شکست می کشاند. همچنین نکته ی دیگری که از گفته های هر دو نفر از این فعالان کارگری در می یابیم نفوذ گسترده ای است که "سندیکالیسم" بر جنبش کارگری دارد. اینجا است که وظیفه ی چپ انقلابی در شرکت در تشکیلات سندیکایی و برقراری ارتباط متقابل با بدنه ی کارگری آنها، دو چندان برجسته می شود. با عدم ایجاد پیوندی متقابل با پایه های کارگری متشکل در سندیکاها و اتحادیه ها و انجمن ها و کانون ها و اصولاً هر جایی که بدنه طبقه کارگر و توده های متشکل در جنبش های اجتماعی در آن حضور دارند، عملاً ما میدان را بدون مبارزه به رقیب بورژوا واگذار کرده ایم. ما باید در میان مردم به افشاگری گسترده علیه ایدئولوژی لیبرالیسم و سندیکالیسم بورژوایی بپردازیم و ماهیت ارتجاعی و حکومتی آن را به ایشان بنمایانیم. به خصوص امسال که سالی انتخاباتی است و جناح های مختلف حکومتی برای پیروزی در آن وعده و وعیدهای فراوانی به سردمداران سندیکالیست و چپ های رفرمیست خیانت پیشه و حامی راستگرایان سندیکایی خواهند داد و در صورت موفقیت قشرهای کارگری و بدنه جنبش های اجتماعی را از مبارزات انقلابی رویگردان خواهند کرد.

امسال، سالی بسیار حساس برای چپ های انقلابی است. امسال سالی است که ما باید بدون وقفه سیاست عدم دخالت در مبارزات انتخاباتی جناح های حکومتی (سیاست تحریم انتخابات) را به میان مردم و به خصوص اقتشار کارگری برده و در عوض، دخالت حداکثری و مستقیم توده ای را تبلیغ کنیم. ما باید در این روند و برای کسب موفقیت در آن صفوف خود را فشرده تر ساخته و بر سر اتخاذ استراتژی و تاکتیک انقلابی برای جلوگیری از جذب توده های کارگری به کانال های بورژوایی سیاست، متحد شویم.

پایان بخش اول

ادامه دارد ....

نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی